

درباره اتحاد عمل

در مراحل گوناگونی که مبارزه پرولتاریا و بورژوازی طی می کند، آنان (کمونیستها) همیشه نما-بندگان مصالح و منافع تمام جنبش هستند.

(ما نیست)

مصالح و منافع جنبش پرولتاریا و توده های زحمتکش در شرایط کنونی جامعه ما در پیدایش صف مستقل آنان در مبارزه طبقاتی بر علیه نظام سرمایه داری وابسته و در مبارزه انقلابی بر علیه حکومت پارتی سار این نظام است. از نظر کمونیستها تنها حزب سیاسی طبقه کارگر حزبی که بر اساس ایدئولوژی مارکسیسم، لنینیسم و کاربرد خلاق آن در پراتیک مبارزه موجود آمده باشد، میتواند در جنبش صف مستقلی را تشکیل داده و هدایت نماید، درست به همین خاطر است که مبارزه برای ایجاد حزب تعیین کننده فعالیت های همه جانبه کمونیستها در این دوره از مبارزه طبقاتی پرولتاریاست.

اما در حالی که فقدان چنین حزبی از خصوصیات برجسته دوره کنونی است، کمونیستها که هنوز در قالب تشکلهای جداگانه (بعثت برداشتهای متفاوت از مارکسیسم - لنینیسم که اعتقاداً دو حاد آنهاست و تلفیق متفاوت این مبانی به وضعیت مشخص جامعه ما) مبارزه میکنند در شرایط بنفرضی قرار گرفته اند. مبارزه برای ایجاد حزب سازماندهی و هدایت جنبش کارگری و کلاً جنبش انقلابی، هم با ضد انقلاب حاکم و هم با ضد انقلاب مظلوم روبروست. این دو ضد انقلاب علی رغم تضادهای حاد و مابین ازدولحفاظت

بقیه در صفحه ۲



کارگران جهان متحد شوید!

۱۰ صفحه

رزمندگان

ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

سال اول شماره ۲۷ دوشنبه ۱۰ شهریور ۵۹ - با ضمیمه ۳ ریال

((کمونیست ها هرگز به مردم دروغ نمی گویند - کمونیست ها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی کنند - کمونیست ها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و روشنفکران انقلابی متکی هستند))
(ولادیمیر ایلیچ لنین)

درباره برخورد

سازمان چریکها (اکثریت) به "حزب توده"

* بسیار خوب آزادی دیشویه برخورد به مطلب حق مقدس هر فرد است. فقط باید برخورد جدی و شرافتمندانه به مطلب را با برخورد ناشرافتمندانه فرق گذاشت.
لنین - کاتوتسکی مرتد

"عوا مغربیه هستید و عوا مغربیان دشمنان طبقه کارگرند" (لنین)
اما عوا مغربیه چیست؟ آیا عوا مغربیه آن نیست که برخورد با عوا مغربیان را از موضع انقلابی، با برخورد عوا مغربیان به انقلابیون یکی بدانیم. وقتی حزب توده ایران بدنیروهای کمونیست و انقلابی به انواع طرق، تهمت، افترا و یا وهگویی کوش میکند در بیزند توده

بقیه در صفحه ۲

ضمیمه سیاسی خبری رزمندگان ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر
دوشنبه ۱۰ شهریور ۱۳۳۸ - شماره ۲۷ - سال اول
یک رزمندگان

پرنده نمکنی
رحانی
برای
حل مشکل
زحمتکشان
سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر
کتاب فؤاد
کتاب فؤاد
کتاب فؤاد

کتاب فؤاد
کتاب فؤاد
کتاب فؤاد
کتاب فؤاد
کتاب فؤاد
کتاب فؤاد
کتاب فؤاد
کتاب فؤاد
کتاب فؤاد
کتاب فؤاد

بورژوازی یک سال و نیم پس از قیام

مشخصات شرایط انتخاب رئیس جمهور را گفتیم. بنی صدر در میان همه کاندیدها تنها کسی است که نه پشتیبانی بورژوازی و نه پشتیبانی خرده بورژوازی حاکم را بطور آشکار و وسیع ندارد. نماینده بورژوازی در انتخابات عمدتاً مدنی است و تلاش بورژوازی نیز حمایت از اوست. خرده بورژوازی حاکم نیز نمیتواند بعطالت بحران شدید در درون خود (بویژه آنکه روحانیت از شرکت در این انتخابات محروم است) شخصیت و نماینده مطلوبی را برگزیند. چنین است که "مردا قضا د"، کسیکه از اولین روز و روزگوار به ایران عضو شورای انقلاب، فردی از هیأت حاکمه (پس از قیام) اما پیوسته منتقد نسبت به پاره ای اقدامات آنست، میدان را برای خود بازمی بیند. ضد انقلاب با انواع دساین عرصه را بر نیروهای از قبیل مجاهدین تنگ میکند، اما حمله به مجاهدین، راه را برای هیچ یک از طرفین بازمی کند. جز کسی که با این حمله مخالفت میکند و میخواهد که آنها در شرایط آزاد و برابر قرار بگیرند! و پاسخ تردیدهای منلیبونها مردم نسبت به بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی از حاکم میگردد، اما نتیجه این انتخابات اینست: مطلوب بورژوازی لیبرال با خرده بورژوازی حاکم نیست. آنها با کسی روبرو میشوند که اگر چه یک بورژوازی است اما در میان خرده بورژواها و فقها و روحانیت غوطه میخورد. او اگر چه خود را نا مگذار جمهوری اسلامی میداند، اما با ولایت فقیه بر وایت "حزب جمهوری اسلامی و امام" مخالفت کرده است. او در واقع موافق ولایت فقیه نیست. این معجون با همه زشتی های مکاربها پیش در حساسترین لحظات خود را به قلب قدرت قانونی پس از فقیه میرساند. و در کنار او و در مقابل او قرار میگیرد.

میگویند و اعضای از کاست است. و با حتی سرکاست و هر چیز دیگری میباید. این گونه تبیین از بنی صدر تنها میتواند بنده عدم درک وضعیت حقیقی او منجر شود. مواضع سیاسی و اقتصادی بنی صدر نشان میدهد که او علی رغم آنکه در ابتدا در صفوف خرده بورژوازی مرفه جولان میکند و گاه درون صفوف بورژوازی

بقیه در صفحه ۱۰

کارگران جهان متحد شوید!

سرمقاله

در رابطه وحدت آمیز با یکدیگر قرار داشته اند. اولاً از لحاظ حضور بورژوازی در هر دو، و ثانیاً از لحاظ ضدیت با طبقه کارگر و جنبش انقلابی سوسیالیستی توده های زحمتکش.

سیر مبارزه طبقاتی درون جامعه ضد انقلاب حاکم را منفرد تر نموده و این حاکمیت را بر علیه طبقات انقلابی و انقلابیون، همارتر ساخته است. در همین حال حاکمیت این ضد انقلاب که خواه ناخواه او را مشخصاً و عملاً در مقابل مبارزه توده ها قرار میدهد از سوی ضد انقلاب دیگر مورد تهدید است. لذا ما شاهد انتقال بخشهای هر چه بیشتری از بورژوازی رانده شده از حکومت به صف ضد انقلاب مغلوب هستیم. در ضمن ضد انقلاب مغلوب از روی گردانی توده ها نسبت به حکومت سودجسته و زمینه پذیرش مساعدی برای بدست آوردن قدرت حاکمه در جامعه و بویژه در مناطق خاص می که توده ها بدلائیل مختلف در نفرت نسبت به حکومت سیر میبرند برای خود جستجو میکنند. (آذربایجان، کردستان، خوزستان، مناطق جنوبی و خراسان) حمایت مستقیم امپریالیسم از ضد انقلاب مغلوب که از جمله درازماندهی دستجات نظامی مزدوران در خارج از مرزها، (اویسی و پالیزیا - ن و...)، در جلب حمایت امپریالیستهای مختلف از دستجات سیاسی به ختیا روا مثالهم در کشورهای مختلف، و در متحد ساختن همه آنها جهت عمل مشترک و بالاخره در استقرار قوای نظامی خود امپریالیستها در مرزهای ایران دیده میشود. خط سرورز افزون ضد انقلاب مغلوب را یادآور میکند.

فدا انقلاب مغلوب که مستقیماً متکی بر امپریالیسم است برای آغازیوش محتمل میگردد. احتمالی که با رشد مبارزه توده ها هر دم فزونی میگیرد و در اینجا است که مصالح و منافع تمام جنبش "با یک خط مشخص روبروست. اپورتونیسم راست در جنبش کمونیستی با تقلیل و توقف مبارزه توده ها بر علیه ضد انقلاب حاکم و کمک به تثبیت و تقویت آن میکوشد.

عنوان فدا انقلاب، تنها با حرکت از این موازین حداقل است که وحدت عمل جنبش کمونیستی و انقلابی بطور نسبی تا مینماید. و از این طریق مبارزه توده های انقلابی مستقیماً از زمان میبایست. هنگامی که مبارزه درون فدا انقلاب در جامعه ما با مبارزه بین المللی ضد انقلاب جهانی درهم می آمیزد و رویزونیسم بین المللی (سویال

خطوط کلی موازین ساطیر جنبش اتحاد عملی عبارتند از:

- ۱- اعتقاد بدون خدشه به کلیه مبانی مارکسیسم - لنینیسم
۲- مرز بندی روشن با اشکال مشخص رویزونیسم (خروشفیسم و تئوری سه جهان)
۳- مرز بندی قاطع با هیات حاکمه (تمامی جناحهای آن) بعنوان فدا انقلاب.

امپریالیسم ثوروی و متحدین آن) و شعب داخلی آن (حزب توده و متحدین آن) (جانب یک ضد انقلاب و امپریالیسم آمریکا و متحدین آن) جانب ضد انقلاب دیگر را میگیرند، تنها اتحاد عملی انقلابی است که با مرز بندی روشن با رویزونیسم و تلبورا مروزی و بین المللی آن و با مرز بندی روشن نسبت به جناحهای مختلف ضد انقلاب در صدد ایجاد دو هدف است: استقلال توده ها باشد. تنها چنین اتحاد عملی است که میتواند نسبتاً سب نیروهای ضد انقلاب را بنبغ توده ها بر هم ریزد و از آنها در میان آنها چه در عرصه ملی و چه در عرصه بین المللی جدا کند. با بدگفت چنین اتحاد عملی به هیچ وجه نباید به استقلال ایدئولوژیک - سیاسی تشکیلاتی سازمانها لطمه ای وارد نماید. و مبارزه ایدئولوژیک و تئوریک جهت وحدت جنبش کمونیستی را در این حال باید جدی مصمانه و با برنامها به پیش برد.

این خطر را مرتفع سازد. رویزونیسم نیست و اپورتونیستهای راست روز به روز در این ماوریت تاریخی و طبقاتی خود بیکدیگر نزدیک تر میشوند. واضح است که این نوع رفع خطر حاصلی جز تثبیت حاکمیت ضد انقلابی به این نخواهد آورد. حاکمیتی که هیچ گاه دست از تعرض بر علیه جنبش کارگری و تمام توده های زحمتکش برنداشته و لحظه ای از دستگیری، ضرب و جرح و اعدام انقلابیون و بویژه کمونیستها غافل نمیکردد. رفع این خطر مشخصاً را میبایست با ادا ضد انقلاب بطور کلی تسووم ساخت و لذا میبایست به یک تدبیر مشخص در متن مبارزه دائمی کمونیستها جهت ایجاد حزب، سازماندهی و هدایت جنبش کارگری و کلاً جنبش انقلابی بپردازیم. اگر چه این تدبیر مشخص مصالح و منافع تمام جنبش انقلابی را در بر میگیرد و لذا تنها امر کمونیستها نیست اما مبتکر و پیشروی آن میبایست کمونیستها باشند. و لذا اگر سرد این تدبیر در کمونیستها میبایست در درجه اول اهمیت قرار گیرد.

اتحاد عملی که این چنین میان کلیه جریانات اصلی جنبش کمونیستی بوجود آید و از طریق این جریانات تمام نیروهای کمونیستی را در صف خود گرد آورد تا شیری بزرگ بر جهت گیری انقلابیون دمکرات خواهد گذارد. دمکراتهایی که خود خواهان اتحاد عمل هستند اما میکوشند تا این اتحاد عمل را اولاً با بیشترین امتیاز جهت دیدگاه طبقاتی خود بوجود بیاورند و ثانیاً در انتخاب متحدین خویش در تردید بوده و میان قطب کمونیستها و رویزونیستها در نوسانند. ما به نوبه خود برای چنین اتحاد عملی آماده ایم و از تمام رفقای خود در جنبش کمونیستی با ردیگسردعوت میکنیم که با تشخیص موقعیت حاسم کنونی بر اساس نکات ذکر شده در سطور فوق مهبای ایجاد چنین اتحاد عملی بشوند.

این تدبیر مشخص اتحاد عملی نیروهای جنبش کمونیستی در تدارک مبارزه متحدانه بر علیه یونیون محتمل ضد انقلاب مغلوب و امپریالیستهای پشتیبان آنست. با بعبارت دیگر تدارک شرایط توده ها در شرایطی که چشم انداز درگیری خصمانه و آشکار در میان صفوف ضد انقلاب جهت تسلط بر جامعه و سرکوب هر دم فزونی میکند.

این تدبیر مشخص اتحاد عملی نیروهای جنبش کمونیستی در تدارک مبارزه متحدانه بر علیه یونیون محتمل ضد انقلاب مغلوب و امپریالیستهای پشتیبان آنست. با بعبارت دیگر تدارک شرایط مبارزه مستقل توده ها در شرایطی که چشم انداز درگیری خصمانه و آشکار در میان صفوف ضد انقلاب جهت تسلط بر جامعه و سرکوب هر دم فزونی میکند.

اتحاد عملی که این چنین در جنبش کمونیستی در تدارک شرایط توده ها در شرایطی که چشم انداز درگیری خصمانه و آشکار در میان صفوف ضد انقلاب جهت تسلط بر جامعه و سرکوب هر دم فزونی میکند.

اتحاد عملی که این چنین در جنبش کمونیستی در تدارک شرایط توده ها در شرایطی که چشم انداز درگیری خصمانه و آشکار در میان صفوف ضد انقلاب جهت تسلط بر جامعه و سرکوب هر دم فزونی میکند.

پایه از صفحه

درباره برخورد سازمان چریکها

های مردم را فریب دهد حتی سازمانهای انقلابی را "سینا ساخته" بنا نموده، میتوان گفت برخورد حزب توده درست مثل برخورد "پیکار" یا "راه کارگر" و یا "اقلیت" و دیگران با خود این حزب است؟ درحالیکه لااقل تا آنجا که ما دنیا را ندیده ایم تا آنجا که ما سراغ داریم، همه برخوردها کوشش کرده اند از موضع تحلیل سیاسی و ایدئولوژیک نشان دهند که حزب توده سازگار، رفرمیست، خائن، دشمن طبقه کارگر و نیروی ضدانقلابی است. آیا میتوان گفت از لحاظ کلی برخوردی که نیروهای کمونیست و انقلابی با حزب توده نموده اند درست از جنس برخورد های خود این خائنین (حزب توده) و وابستگان به سوسیال امپریالیسم شوروی است؟

س. ج. اکثریت میگوید آری! هر دو یکی است!

"چه حزب توده"، چه جریانهایی مثل "راه کارگر"، "پیکار" و "اقلیت" و غیره که این شیوه برخورد را دنبال میکنند.... کار ۷۱،

ما این یکسان دیدن دوشیوه، وحتى دو محتوی را، که "س. ج." بدست میآورد، نشان میدهد، خاص در تغییر و تحولات نظری اکثریت پیرامون حزب توده میدانیم. برای اینکه بهتر به مسئله نزدیک شویم، نگاه میکنیم به مواضع "س. ج." تاکنون در قبال حزب توده می افکنیم. و این تغییر و ریشه اش را نشان میدهم.

"کار در باره حزب توده چه می گوید؟"

(کار - ۲۲) در مقاله تحت عنوان "راه رشد غیرسرمایه داری" و "حزب توده" پس از توضیحاتی پیرامون درک حزب توده از تحول انقلابی بی در کشورهای تحت سلطه، و نشان دادن ماهیت تئوری راه رشد غیرسرمایه داری میگوید:

حزب توده اساس تئوری خود را در اصلت آمیز یا دقیقتر کسب قدرت از طریق اتحاد های ارتجاعی، التماس همکاری با سرکریگان و غیره قرار می دهد. اینست آنچه دیگر به تنهایی نمی توان به آن رویزیم یا چیزی مشابه آن گفت. این رویزیم منسجم یعنی نوعی تفکر است که علناً و مستقیماً در خدمت تاریخی بورژوازی ضد انقلاب قرار می گیرد.

"اینک حزب توده میگوید همان نقش را در میهن ما بازی کند" (که "حزب توده" عراق، مصر و... بازی کرده اند، رزمندگان) و تحت عنوان "راه رشد غیرسرمایه داری" به هر قیمتی شده از تشکیل صف مستقل پرولتاریا که ضامن پیروزی خلقهای ما بر امپریالیسم و سرمایه داری وابسته به آن است، جلوگیری کند. این است آنچه را ما به نام "توده" علیه توده، به نام "مردم" علیه مردم، و به نام "طبقه کارگر" علیه طبقه کارگر نامیده ایم. کار ۴۲، ص ۷

(س. ج.) در توضیح دیگری پیرامون تئوری ضدانقلابی راه رشد غیرسرمایه داری درباره حزب توده میگوید:

"حزب توده در انتخاب و تشخیص نیروهای انقلاب سمبست گیری سوسیالیستی و باک نداشتن از سوسیالیسم را اساس قرار نمیدهد." کار ۵۶، ص ۱۵

با یادگفت از اینهم بدتر،
"در چپا رچوب این تفکر (تفکر حزب توده) خرده بورژوازی -

رتجاعی و محافظه کار درست به همان اندازه انقلابی است که خرده بورژوازی انقلابی، انقلابی است. کار ۵۶، ص ۱۵ تاکید از ما است.

حزب توده تلاش میکند، با خرده بورژوازی ارتجاعی، متحد شود و به قیمت سرکوب انقلاب و پراکنده نمودن صفوف پرولتاریا، به قیمت خیانت آشکار در لیباس مارکسیسم - لنینیسم به جنبش انقلابی، و به قیمت خود را به قدرت برساند. آنها با ارائه نظریاتی که اساس آن نظرات نزدیک به شوروی = نزدیکی به سوسیالیسم، و راه رشد غیرسرمایه داری "میباشد، سعی میکنند جملاتی خود را که ادا کننده عملیات اولیا نفسکی ها، پوپوف ها، آندریف ها و بیونوماروف ها است بنام م. ل. خلاق یا دقیقتری جان، مرده و ضدانقلابی بخورد جنبش بدهند. کار ۵۶، ص ۱۵ مینویسد:

"حزب توده با تحریف آنچه که اولیا نفسکی تحریف کرده است، عملیاتی بنام مارکسیسم - لنینیسم خلاق را تبلیغ میکند."

تصویری که کار ۴۲، ۵۶ و سایر کارها از حزب توده میدهند، حزبی با استراتژی و تاکتیک ضدانقلابی است. حزبی است که سیاست آنرا نه منافع انقلاب و خلق ایران بلکه منافع و مصالح "انترناسیونالیستی" و یا دقیقتر منافع سوسیال امپریالیسم تعیین میکند. و این منافع انطباق دارد با خواست های حزب توده. "کارتیست اصلسی حزب توده را در یک عبارت فشرده چنین بیان میکند:

"تمام اینها حزب توده را به ارگانی برای زدوبند از بالا و حل بوروکراتیک مسئله قدرت سیاسی بدل کرده است." کار ۵۶ - ص ۱۱

"ارگانی برای زدوبند از بالا" یعنی ارگانی که نه فقط منافع انقلاب مدنظر آن نیست، بلکه فقط و فقط به فکر قدرت آنهم قدرتی است که به شیوه بوروکراتیک یعنی بدون اینکه تحولی انقلابی صورت پذیرد دست می آید.

(کار ۶۵) در مقاله ای پیرامون سیاست ارضی حزب توده پیرامون از خیانت پیشگی این "ارگان بندوبست از بالا" می نویسد:

"حزب توده با تبلیغ اینکه همه نبردها، حق طلبی های دهقانان با اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی کنونی به نفع آنهاست، بدون آنکه حتی آثارهای به مناسبات تولیدی حاکم بر جامعه و به طریق اولی روستاها و ضرورت تغییر آن داشته باشد، در واقع رفرمیسم در حل مسئله ارضی را تبلیغ میکند. "حزب توده" در عرصه مبارزه طبقاتی روستا نیز نظیر تمام عرصه های دیگر این مبارزه پرچمدار رفرمیسم و بوروکراتیسم است. کار ۶۵، ص ۱۵

این سیاست نه فقط رفرمیستی و بوروکراتیستی، بلکه مشخصاً بر علیه دهقانان انقلابی بوده است. (کار - ۲۹) مینویسد:

"حزب توده" که در حرف همیشه سنگ "انقلاب" را به سینه میزند وقتی پای عمل انقلابی پیش می آید، مطابق همیشه چاقب ضدانقلاب را میگیرد، و در پوشش انقلاب میخواهد کاری کند که نگذارد اکنون که وزارت.....

سرمایه داران و زمینداران "توده ای" با پدید آمدن هر چه قدر علیه دهقانان و زمینکشان متحد شوند و هر چه قدر در روزنامه "مردم" عوام فریبی، تبلیغات ضدانقلابی و جار و جنجال به راه بیندازند، چه بخوانند و چه نخواهند زمینهای گنبد از چنگشان بدرخواهد آمد. کار ۳۹، ص ۳ تاکید از ما است.

در همین شماره کار علامه "کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن" درباره "تبلیغات عوام فریبانه حزب توده آمده است که میگوید:

"حزب توده به عنوان بلندگوی ارتجاع میخواهد از همان

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و ارتجاع داخلی!

سرفروا و زنده در باره گذار مسالمت آمیز فرم میستی بسه
 سوسیا لیسیم، نه فقط حدا کثرت کودنی کوردلان است بلکه
 فریب صریح کارگران، آرایش بردگی مزدوری سرمایسه
 داری و اختفا حقیقت است.
 حزب توده اساس تئوری خود را گذار مسالمت آمیز یا دقیقتر کسب
 قدرت از طریق اتحاد های ارتجاعی، التماس همکاری با سرکوبگر
 ان و غیره قرار میدهد. اینست آنچه دیگر به تنهایی نمیتوان بسه آن
 رویزیونیسم یا چیزی مشابه آن گفت. این رویزیونیسم منسجم یعنی تگ
 تفکرات که علناً و مستقیماً در خدمت تاریخی بورژوازی و ضد انقلاب
 قرار میگیرد.

اما حزب توده حتی اینهم نیست، آنها تنزل نکردند، آنها تاحد زفر میستند، حدا کثرت صعود می کنند، بالا تو سمن نقطه ای که حزب توده تاکنون در عمل ایستاده است زفر میسم بوده نه عمومی ترین نقطه. حزب توده در عمل اساساً ضد انقلابی حرکت کرده و در عمل (یعنی معیار حقیقت) بقول کار ۹ تطابق همیشه جانب ضد انقلاب را می گیرد.

در مورد "ب" (کار) از سرمایه داران و زمینداران توده ای سخن
 میگوید (کار - ۳۹). حزب توده منافع بورژوا بوروکرات ها، و خرده
 بورژوا بوروکرات های مرفه را به خوبی منعکس میکند. آنها در
 عالی ترین ضدیت خود با بورژوازی حدا کثرت منافع چنین کسانسی را
 منعکس میکنند. تفاو آنها با بورژوا - امپریالیست ها ناشی از نفسی
 شرایط سرمایه داری نیست، ناشی از تغییر آن به نحو مطلوب و ایجاد
 نوعی سرمایه داری دولتی است. و. سرانجام در مورد "ج" یعنی
 پراتیک و مواضع سیاسی حزب توده، کافیت به حرکات آن از سال ۱۹۲۸
 کتون بنگرید. یک روز در درون حکومت شاه دنبال جناح دور اندیش
 و بهتر جهت اتحاد با آن میگردد. روز دیگر شمار "جبهه واحد دیکتاتور
 ری" میدهد. و سرانجام جبهه متحد خلق را از حزب توده، حزب جمهوری
 اسلامی و سایر احزاب مترجع، پیشنها میکند. حزب توده جنبش خلق
 کرد را، و سازمانهای سیاسی آنرا بویژه کومه له را وابسته به (سیله
 ماساد، بعثت، ساواک) می نامد. در ترکمن صحرا بر علیه خلق ترکمن
 (جنگ افروزی) میکند (کار ۳۹) از دهقانان و کارگران انقلابی میخو
 اهد دست از مبارزه بکشند و به فرمهای ساده اقماع کنند. لنین در مو
 رد فرم میست ها بخوبی میگوید:

" اختلاف ما و فرم میست ها... در مخالفت ما با فرم و موافقت
 آنها با فرم نیست، نه چیزی شبیه آن، آنها خودشان را
 به فرم محدود میکنند و بدین خاطر بنا بر اصطلاح مناسب
 یک مقاله نویسن انقلابی "شوا بیرون متا لاریتزا یستونگ"
 (شماره ۴۰) تا حد تنها "پرستاران سرمایه داری" نزول
 میکنند. پیشنها دات اصولی در باره "مسئله جنگ، تاکتیک
 از ما است.

اما حزب توده حتی اینهم نیست، آنها تنزل نگردند، آنها تا
 حد فرم میست ها، حدا کثرت صعود میکنند، بالاترین نقطه ای که حزب
 توده تاکنون در عمل ایستاده است، فرم میسم بوده نه عمومی ترین
 نقطه. حزب توده در عمل اساساً ضد انقلابی حرکت کرده و در عمل (یعنی
 معیار حقیقت) بقول کار ۳۹ "مطابق همیشه جانب ضد انقلاب را
 میگیرد".

اینها بود مشخصات حزب توده از لحاظ ایدئولوژی و تئوری، پایه
 اجتماعی، پراتیک و سیاست و مواضع عملی.

آیا حزب توده در جنبش کمونیستی است؟

بنا این او ما فآیا میتوان گفت حزب توده در جنبش کمونیستی
 است؟ این سؤال شاید برای خواننده ما عجیب باشد، اما حقیقت
 آنست که پس از همه این حرفها که ما مستقیماً از "س.ج" اکثریت نقل

توده ها را برای سرکوب خلق مبارز ترکمن آماده سازد و
 محیط را برای جنگ فراهم نماید. کار ۳۹ ص ۳ تا کید از ما است.
 اینست ماهیت حزب توده در مسئله ارتجاعی - دهقانسی. همکاری با
 دولت - بلندیگویی ارتجاع - در عمل بجانب ضد انقلاب و.....
 (کار ۵۰) در مورد حزب توده می نویسد:

"حزب توده نه به اصول" ما رکسیسم - لنینیسم اعتقاد
 دارد نه خط مشی و سیاست انقلابی دارد و نه سابقه مبارز
 تی درخشا تی دارد و نه یک جو صداقت انقلابی."
 "حزب توده... با عنا صروجریا نهی سرکوبگر در تمام زمین
 ها، به ویژه تظاهرات و میتینگ ها، در جنگ کردستان، و
 وقایع اخیر گنبد همکاری عملی نزدیک داشته است.....
 حزب توده در عرصه جهانی تبعیت از احزاب کمونیست دیگر
 (بخوان از احزاب رویزیونیست و ضد انقلابی) را میپذیرد
 و میکوشد این تبعیت را به عنوان پایبندی به انترنا -
 سونالیسم پرولتری (بخوان منافع سوسیا ل امپریالیسم)
 به کمونیست ها قالب کند." کار ۵۰ ص ۱۰، تاکتیکات و
 جملات داخل پرا تراز با است.

چنین است تصویر حزب توده از نظر "کار" اگر بخوایم واقعا آنچه
 را که (س.ج) میگوید جمع بندی کنیم چه خواهیم داشت:

- ۱ - حزب توده نه تنها اصول م.ل را قبول ندارد بلکه دشمن
 آنهاست. تئوری حزب توده همان اولیا نوفسکیسم در منحنط تریسمن
 شکل خود یعنی نوعی از ایدئولوژی بورژوازی است.
- ۲ - حزب توده در اتحاد با طبقات ارتجاعی و ضد انقلابی عمل
 میکند و در عمل "ضد انقلاب"، ضد خلق ترکمن، کرد و طبقه کارگر ایران
 است.
- ۳ - حزب توده دشمن سر سخت کمونیست ها، و متحد جهانی رویز
 یونیست ها بشمار می رود. حزب توده تابع منافع سوسیا ل امپریالیسم
 است.
- ۴ - حزب توده از موضع حفظ حکومت، سرکوب انقلاب و..... میل
 و مروج فرم میسم و بوروکراتیسم است.

چند کلمه در باره معیارهای اصلی

حزب توده، حزبی بورژوازی است. حزبی است که از لحاظ تاریخی
 اندیشه های منحنط و کاملاً شکل گرفته بورژوازی را نمایندگی میکند.
 این حزب همه جا، بنا به مصالح طبقاتی خود، بنا به موقعیتی که خدا -
 کثرت میتواند از لحاظ تاریخی داشته باشد، مدافع تئوری راه رشد غیر
 سرمایه داری است. هرگاه ماسه معیار اصلی زیر را مینای تحلیل یک
 سازمان سیاسی قرار دهیم، خواهیم دید که چنین حزبی در موضع ضد
 انقلابی در قبال جنبش ماسه ار دارد.

- الف: ایدئولوژی
 - ب: پایه اجتماعی و سازمانی
 - ج: پراتیک و سیاست و مواضع عملی
- در مورد "الف" ما حتی به تاریخ حزب توده یعنی چگونگی پیدایش
 آن رجوع نمیکنیم. کافیت حتی به نقل قولهایی که از کار آورده ایم
 رجوع کنید. خواهیم دید که از لحاظ ایدئولوژیک درجا مع بورژوازی
 حزب توده مبلغ سازش طبقاتی است. اما سازش طبقاتی، یعنی عدم
 مبارزه طبقاتی، یعنی کوشش برای حفظ وضع موجود تفاو و از آنجا که
 بقول انگلس پیوسته شرایط طبقاتی معین، با تسلط تاریخی یک طبقه
 و درجا مع ما بورژوازی همراه است کوشش برای سازش، یعنی کوشش
 برای حفظ وضع مسلط سرمایه، یعنی تلاش برای حفظ مناسبات سرمایه
 داری به هر شکل ممکن در لوای (م.ل) قلب شده.

تفکر حزب توده حتی آن چیزی نیست که روزی لنین در دولت
 و انقلاب نوشت:

"هرگونه ابزار نظر در باره اینکه سرمایه داران بوجسه
 مسالمت آمیز در برابر اراده اکثریت استثمار رندگان



از این زاویه نیز این جریان را تحلیل و بررسی کردیم

۱۸ - ۷۱

جرا فقط "انحراف بینشی" عمیق! آیا این نشانه عدم صداقت خسود (س.ج) در برخورد به نیروهای انقلابی نیست. کسی که آگاهانه و به سادگی انقلابی ترین (یا لاقلاً سرسخت ترین) دشمنان امپریالیسم را مزدور امپریالیسم میخواند و انقلابی نیست و فقط انحراف عمیق بینشی دارد؟ کسیکه در سرکوب خلق ترکمن و کرد بقول "کار عملاً" شرکت در رخدادهای انقلابی نیست؟ کسیکه بنا ما رکسیم - لنینیم بر علیه ما رکسیم - لنینیم، بنا ما توده، بر علیه توده، بنا ما "مردم" بر علیه "مردم" و بر "له" بورژوازی و هیات حاکمه حرکت میکند، ضد انقلابی نیست؟ و تازه تنها "انحرافات عمیق بینشی" دارد؟ چگونه میتوان از اکثریت درس آموخت، وقتی برخورد های آن به حزب توده را بررسی میکنیم، دفاع از ایدئولوژی پرولتاریا و امرانقلاب، بدون مبارزه قاطعانه بر علیه فرقیسم، بورژوازیسم، و بوروکراسیسم، بدون مبارزه قاطعانه با همه اشکال رویزیونیسم ممکن نیست. معاً - شات با حزب توده، و بین دو صدلی نشستن در مورد حزب توده ما را با یاد سخن لنین میاندازد که:

"نشستن بین دو صدلی شیوه همیشگی کائوتسکی است. او چنین وانمود میسازد که در هیچ جا با اپورتونیستها در تئوری موافق نیست. ولی در واقع در تمام نکات آنها - سی (یعنی در تمامی آنچه که به انقلاب مربوط میشود) عملاً با آنان موافق است." کائوتسکی مرتد.

اگر حرف لنین، در مورد اپورتونیستها گفته شده، موضع اکثریت در برابر حزب توده، یعنی حزبی است که به اقرار خود آن "مطابق همیشه جانب ضد انقلاب را میگیرد، تقلیل ریشه فدیت حزب توده - کومنیستها تا حد "انحراف بینشی" جد آهیچ چیز را عیان نمیکند بجز آنکه "عملاً با آنان موافق است".

ریشه اصلی برخورد اکثریت به حزب توده

برای خواننده ما این سؤال مطرح میشود که بالاخره چرا باید (س.ج) اکثریت اینطور به حزب توده برخورد کند؟ چرا تعمداً و تدریجاً بر ما هیت حقیقی آن سرپوش میگذازد؟ چرا پس از دفاع جانانه از این حزب "ضد امپریالیست و دیمکرات" بیادسا بر نیروهای انقلابی افتاده است؟ و خلاصه سیر تحولات "س.ج" کدا مسواست؟ در طی چند ماه اخیر، بویژه پس از آغاز انتخابات مجلس شورا ما یک سلسله مواضع راست مداوم در سازمان چریکها فدایی خلق (و آنچه اکثریت نامیده شد) مشاهده میکنیم. پس از این امر تا شیدا اصلاحات ارضی را اضافه نمودی به عنوان راه حلی برای جنبش دهقانی، نزولات کموبیش در رابطه با مسائل مبارزه طبقاتی و بالاخره ظاهر شدن مقاله مشهور کارگری که در آن با وجود جنبه های متناقض، پس از سه تا کتیک در قبایل خورده بورژوازی، در واقع "کار" تکلیف خود را با نیروهای انقلاب و ضد انقلاب در سطح جهان و به تبعیت از آن در ایران تعیین میکند، طبق چنین الگویی از آنجاکه خرده بورژوازی حاکم گرا بشا تی دارد در فدیت نسبی با امپریالیسم، نیرویی (بهر حال) انقلابی محسوب میشود. و همینطور حزب توده که بشدت با امپریالیسم آمریکا تضا ددارد و نیرویی فوق العاده انقلابی محسوب میشود. این همان دیدی است که سرانجام خود را در کار ۹۵ به نحو بارزی نشان میدهد و از کار ۶۰ به بعد خط مشی جدید کار ریشیوه ای شوربیزه شده عرضه میشود. با به اصلی این نظریه را در واقع "نه مبارزه طبقاتی مشخص" و نه تضادهای مشخص طبقاتی در جامعه ایران، بلکه "تضا دحاکم بر جهان" تشکیل میدهد و کل جهان و ایران بطور کلی یک پدیده و واحد نظر گرفته میشوند. کافینست کسی شعار "مرگ امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا"

■ - ما به همه این مواضع برخورد کرده ایم و تقریباً در مورد هر کدا مدارگان مرکزی سازمان (رزمندگان) برخورد های بی داشته ایم و پیدایش تدریجی این تفکر را نشان داده ایم.

قول کردیم آنها اعتقاد دارند که حزب توده جزئی از جنبش کمونیستی ایران است، منتها جناح راست جنبش کمونیستی (!) (س.ج) در کار ۵۰ میگوید:

"ما حزب توده را بزرگترین خط انحراف از اصول و خط مشی انقلابی در جنبش کمونیستی ایران بشمار می آوریم." این عبارت کوتاه حزب توده و جریانات توده ای را خطرناک ترین آفت جنبش کمونیستی میداند، توجه کنید که صحبت در اینجا فقط بر سر رویزیونیسم نیست، صحبت بر سر اپورتونیسم راست نیست، صحبت بر سر حزبی است که به اعتراف خود "کار" نه تنها ایدئولوژی آن مارکسیسم - لنینیم نبوده و اولیا تفکیک است، بلکه در عمل، ضد انقلابی است، یعنی بر علیه کارگران و زحمتکشان ایران، متحد بورژوازی

برای حزب توده اولیا تفکیک یک "انحراف" نیست. باید - تئولوژی است برای "حزب توده" خیانت به جنبش انقلابی یک تاکتیک موقت (!) نیست استراتژی است آنها همیشه از موضعی ضد انقلابی خود را در جنبش انقلابی جا داده اند. آنها در دوران "حکومت جمهوری اسلامی" شیوه ای جز سرکوب و همکاری هر چه تمامتر با ضد انقلاب حاکم نداشته اند.

و هیات حاکمه بطور کلی است. آیا میتوان گفت حزبی که تا کتیک استراتژی، تئوری، روح و همه چیز آن در فدیت با انقلاب بکار گرفته میشود، حزبی که متحد رویزیونیسم بین المللی و حتی در تبعیت مزدور منشا نه نسبت به سوسیال امپریالیسم میباشد، چنین حزبی جز بی از جنبش کمونیستی ما است؟ (س.ج) در کار ۵۰ میگوید: آری! "س.ج" در کار ۵۰ بگفراصلاح این چنین حزبی است.

این گونه برخورد به حزب توده از طرف سازمانی که خود را مارکسیست - لنینیت نیز میداند جزیه معنی در جنبش کمونیستی دانستن ضد کمونیست هاست؟ (س.ج) میدانند که حزب توده کمونیستها را آلست و دست نشانده آمریکا، اسرائیل و... میخواند، میدانند که حزب توده کمونیستها را "ترجیه های پوکی" میدانند که علی رغم ظاهر سرخ خود باطنی راست دارند، یعنی همان آنها می که هیات حاکمه به کمونیستها میزند: کمونیست آمریکایی! (س.ج) همه اینها را از مدتها پیش میدانند، و کور دلانده و عوامفریبانه حزب توده را خطرناک ترین تلقی میکند، و خواهان هدایت آنها بر راه اصولی است (احیاناً منظور "س.ج" همان راه خوش "س.ج" است) "س.ج" میدانند که حزب توده یک جو صاقت "ندارد، و علی رغم همه اینها حزب توده را که دشمن طبقاتی جنبش کمونیستی محسوب میگردد، جزئی از جنبش کمونیستی محسوب میکنند.

برای حزب توده اولیا تفکیک "انحراف" نیست، ایدئولوژی است. برای "حزب توده" خیانت به جنبش انقلابی یک تاکتیک موقت (!) نیست، استراتژی است. آنها همیشه از موضعی ضد انقلابی خود را در جنبش انقلابی جا داده اند. آنها در دوران "حکومت جمهوری اسلامی" شیوه ای جز سرکوب و همکاری هر چه تمامتر با ضد انقلاب حاکم نداشته اند.

آیا قضیه به حد کافی روشن نیست؟ بنا بر این چرا "س.ج" در کار شماره ۷۱ مینویسد:

"اینکه "حزب توده" به آسانی و آگاهانه نیروهای بی را که خود میدانند از سرسخت ترین دشمنان امپریالیسم بوده هستند آمریکا بی و "سیاساخته" میخواند، نشانه عمیق انحرافات بینشی (چه انتقاد جانانه ای! انحرافات بینشی عمیق!) این جریان است که باید در فرصت مناسب (کدام فرصت!)

■ - آنها در کنار مرتدین و خائنین سه جانی که نه فقط به خدمت هیات حاکمه بلکه به خدمت امپریالیسم آمریکا درآمده اند.

جنبش انقلابی توده‌های کرد را جنگ برادرگشی (آتهم علی - اشغالگران و سرکوبگران) خوانند، سازمانهای انقلابی را (از قبیل کومه‌له) با دارو دسته‌های بعثی از قبیل سپاه رزگاری یکسان نامیدند. گهگاه خط ۳ را تا حدسه جهان تقلیل دادند، و آنان را یکی دانستند (کار - ۵۶) اعدام جاشها را اعدام مسلمانان معرفی کردند، در مقابل انقلابیون در کردستان با دمکرات‌ها همکاری کردند..... آیا اینها همان چیزهایی نیستند که "س.ج. خودبه" حزب توده "منسوب میکند؟!

وقتی برخورد های (س.ج) به حزب توده را بررسی می‌کنیم، دفاع از ایدئولوژی پرولتاریا و امر انقلاب به بدون مبارزه قاطعانه بر علیه رژیم، اپورتونیزم و بورژوازیسم، بدون مبارزه قاطعانه با همه اشکال روزنیویسم، ممکن نیست.

آیا از لحاظ سیاست کلی (س.ج) در حال حاضر نمیتوان گفت رهنمود دادن به مجلس که آئینده نگر "باش" رهنمود دادن به راجایی جهت تعیین وزراء، مطلوب رهنمود دادن به هواداران و اعضا سازمان که با امثال پاسداران همکاری کنند و در صدد ایجاد مستقل بنابرند، همه اینها چیزی بجز همان سیاست عملی حزب توده است.

ریشه اصلی نزدیکی (س.ج) به حزب توده، و دفاع از آن و مسامحتی کردن خصوصاً آشکار خود با کمونیستها نمیتواند چیزی جز نزدیکی واقعی به حزب توده از لحاظ سیاست بین المللی و داخلی باشد. ما نمیگوئیم آنها یکی هستند اما میگوئیم آنها با این روند که در آن قرار دارند، میتوانند یکی بشوند و هم اکنون از بسیاری لحاظ یکی شده‌اند. اینست علت آنکه زوراء همه آنها مات، لجن پراکنیها و افتراهای حزب توده، (س.ج) اکثریت فقط عمق بینشی انحرافی و نه عمق سیاسی ضد انقلابی - ضد پرولتری را میبیند. اینجاست همه مسئله.

عوامل فریبی، عبارتست از تبه‌کاری، یعنی "دانستن حقیقت و نگفتن آن به مردم، یعنی آگاهانه توده‌ها را فریفتن. اگر "س.ج. و اب" قعاً تا حدی به حرفهایی که خود روزگاری زده است پای بنداست، نمی‌تواند انتقاد خود را به حزب توده، تنها و تنها بر روی شیوه عمل حزب توده متمرکز کند و حتی آنرا به یاد سخت ترین سازها بگیرد؛ در این حالت ذهن خواننده را از مسئله و محرکه و ماهیت اصلی موضوع مورد بحث دور کرده است. اما اگر (س.ج) بخواهد از موضع مارکسیستی با حزب توده برخورد کند، نگاه خود را چه کند. (س.ج) حزب توده را اپورتو نیست راست می‌نامد تا خود را اصولی بنماياند. حال آنکه حزب توده را اساساً در جنبش کمونیستی نمیتوان بررسی کرد، چنین است شیوه برخورد اپورتونیستی و روزنیویستی در مورد (س.ج) به حزب توده. و اینست دنباله شکل گیری کامل روزنیویسم در (س.ج) اکثریت، یکبار دیگر سخن لنین را که سرلوحه نشریه ما است تکرار میکنیم: کمونیستها هرگز به مردم دروغ نمی‌گویند. کمونیستها هرگز به ما حیاب قدرت تکیه نمیکنند. کمونیستها فقط به طبقه کارگر، زحمتکش و روشنفکران انقلابی متکی هستند. * * *

بکا "را بدهد و در موضع انقلاب جهانی (!) قرار بگیرد. این نظریه در عمل بصورت عقب نشینی در مبارزه طبقاتی، تسلیم طلبی، سازش ظاهر گردید. آنها جنگ "عادلانه" خلق کرد را با قوای نظامی جمهوری اسلامی "جنگ برادرگشی" نامیدند. و اعلام کردند که این جنگ "فقط بسود امپریالیسم" است. و فراموش کردند این جنگ از مصالح هیئت حاکمه ریشه گرفته است. بلافاصله آنها مات و تحریفات شروع شد: (س.ج) اعلام کرد که کومه‌له با سپاه رزگاری مذاکره کرده است (و حزب توده نیز آنرا نقل نمود). و کار به جایی رسید که (س.ج) شاخه کردستان اعلام کرد: کسانی که کومه‌له آنها را اعدام میکنند در حقیقت بخاطر عقاید مذهبی (و نه بخاطر طریقت با خلق کرد) نه بخاطر جاش بیوند (اعدام میشوند) (رجوع کنید به زمندگان شماره ۲۵).

اعلام اینکه حکومت "غیر وابسته" است و تحلیل آن بر مبنای وابستگی نقطه اوج حقیقی تئوری (س.ج) است. زیر بنای این تئوری (که بر اساس وابستگی و عدم وابستگی یک حکومت را توضیح میدهد) طبقات حاکم از لحاظ موقعیت آنها در نظم کنونی و مبارزه طبقاتی جاری کاملاً مخدوش میشود. این تئوری چیزی از راه رشد غیر سرما به داری کم ندارد، زیرا جوامع را نه بر اساس شیوه تولید، و روابط طبقاتی موجود بلکه همان تئوری کدایی "امپریالیسم جهانی" سرگردگی امپریالیسم آمریکا توضیح میدهد. بدین ترتیب راه برای پذیرش "نوعی" راه رشد غیر سرما به داری فراهم میگردد. و معلوم میشود که همه حملات به راه رشد غیر سرما به داری، همه انتقادات به حزب توده و همه داستانهای تئوریهای تئوریک در باره اولیا نسکی و دیگران حملاتی بی مضمون و تنها در عالم کلمات و نه تحلیل مشخص میباشد.

با آنچه که گفتیم و گرایش عمومی (س.ج) اکثریت پیرامون شوروی سوسیالیستی و بشرت، رسپالیستی، و انکار جهانی به این بلوک به عنوان یک متحد، متخدی که خود متحدینش در درون چهار چوب مرزهای خویش به سرکوب کارگران مشغولند، و به عنوان بدولتست دارای موقعیت طبقاتی حاکم میباشد، یعنی آنچنان موقعیتی که به آنان نقش طبقاتی بر علیه کارگران کشورهای خودی داده است، و در سطح جهانی نیز ضد انقلابی عمل میکند، دیگر جای کدام تما یزاساسی میان "س.ج" و حزب توده باقی میماند؟ "س.ج" نیز، مثل حزب توده سیاست خود را در مقابل مبارزه طبقاتی در بسیاری موارد بر اساس اتحاد با جناحی از هیئت حاکمه میریزد و عملاً استقلال پرولتاریا را که تا مین نمیکنند هیچ، در راه تا مین حقیقی آن موانعی بزرگ بوجود آورده است. (س.ج) تن به انواع سازشهای غیر اصولی با حکومت داده است و گهگاه سیاستش تا حد متابعت از آن تقلیل یافته است. (س.ج) نیز مخفیانه به انواع مذاکرات از نوع بهشتیها و بیبی صدقها تن در میدهد. و اینها عملاً مصالح انقلاب را فدای سازش با هیئت حاکمه و توسعه عدم وابستگی مینماید.

"عدم ایمان به توده‌ها ترس از خلافت آنان، ترس از استقلال آنان، هراس از انرژی انقلابی آنان به جای پشتیبانی کامل و نامحدود آن، اینجاست بیشترین گناهی که رهبران سوسیالیست رولوسیونیست و منشویک مرتکب شده‌اند، اینجاست که ما عمیق ترین ریشه‌های نا مضم بودن و ترس از آنرا در تلاشهای بی پایان و بکلی بی اثر آنان را در انداختن شراب نودرریشه کهن دستگاه دولتی بورژوازی تیک کهنه میبایم. لنین - یکی از مسایل اساسی انقلاب.

و درست همین جاست که ما آن نزدیکی تاریخی را که "س.ج" و حزب توده میتوانند داشته باشند و در آنجا بدجستجو کنیم.

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر!

بورژوازی یکسال ونیم

سکوت کرده ام به خاطر آنست که مردم سنگسار را خالی نکنند!

بنی صدر در مبارزه با خرده بورژوازی حاکم به مرکز قدرت و اتکا، آن یا دقیقتر نیرویی که تا کنون از آن استفاده برده، یورش میبرد: مردم! در همه جا آنها را تعقیب میکنند تا خود را به ما بسند، توهمی نو بر آنها تحمیل کند، تا اذهان رسیده، آنان را از حکومت به سوی خود با زگردانند. به یادگانها میروند، به مراکز دولتی مهم سر میزنند، و با بیای آیت الله ها، منا بر مساجد را اشغال میکنند برای آنها از دردهای یک رئیس جمهور تنها که همه میخواهند و از زمین ببرند، سخن بگویند. بنی صدر میگوید:

"اینکه مردم از رئیس جمهوری توقع دارند، تا حدودی توقع بجایی است برای اینکه قانون اساسی در واقع رئیس جمهور را رئیس قوه مجریه و هماهنگ کننده قوه و تصویب کننده، هیئت وزیران دانسته است. در نتیجه فرض اینست که دولت دولت است و تمام ابزار کار را در اختیار دارد. و اگر بگویند علاوه بر آنکه این ابزار را نداشت بلکه مقابل آنهم بود... در این صورت مردم باید حقیقت را بدانند و دیگر از او نخواهند اینکس بگویند این چه جور دولتی است که رئیس جمهوریش را ما تعیین کرده ایم ولی دولت مخالف این رئیس جمهور است؟ و بیایند بگویند که این چه کشوری است که ما رئیس جمهور تعیین کردیم برای این که رئیس قوه مجریه باشد و جردور شده است که لاقوه، تجریه و ابزار در اختیارش نیست... انقلاب اسلامی - ۲۳۶ ره مردم!

بنی صدر به سوی آنها، به آراء زنده، خود دست دراز کرده است. اما آیا آنها به او پاسخ خواهند داد؟ مردمی که خود را، به عنوان رئیس قوه مجریه سرکوب آنان را سازمان میدهد، مردمی که خود را خانه به خانه مبارزیشان را دنبال میکنند تا به خاک و خون بکشد. چنین مردمی در شرایط حاد مبارزه، طبقاتی ما، بحران اقتصادی و عدم تعادل واقعی در میان نیروهای طبقاتی، هرگاه توهمان نسبت به این بندها زک ساد تریستن احساسات مردم را به بازی میگیرد، فرو بریزد، بدون شک آن چیزی را که او اینک میخواهد بدوش توده های میلیونی ما مستحکم سازد، آن بوروکراسی ارتش، آن نظم مقدس بنی صدر، سرما به دا - ری ایران را فرو خواهد پاشید.

اکنون میتوان راجع به بنی صدر قضاوت کرد. او به شیوه ای بنیاد رستنی کوش کرده است ارتش، بوروکراسی و سایرین را خود را تحکیم کند. اما شرایط مطلوب برای او وجود ندارد. او به ۱۱ میلیون رأی اتکا، میکند هر چه در حکومت بیشتر تحت فشار قرار میگیرد به مردم رجوع میکند... حزب او "بنی روزنامه ها و دسته های "هوراکش" او در برابر حزب الله نیرومند و "حزب های واقعی"

دست به افشاکاری و پخش "نوار آیت ها" میزنند. اوسعی میکنند مجاهدین و فدائیان را فریفتند؛ مناظره جویی لیبرال ما با نه، خود نمساید در حالیکه از یاد نمیبرد مجاهدین را به عنوان التماسی در "ارگان" خود مورد حمله شدید قرار دهد. لیکن تلاشهای این بورژوا، همگی درجهای صورت میگیرد که تعادل لازم برای مانورهای وی را ندارد. بنی صدر در حالیکه از سیستم موجود مصممانه تر و آگاهانه تر از هر کس دیگری در حکومت دفاع میکند، و از یاز حاکم، علی رغم اینکه حتی در همین اواخر نیز بنی صدر لیبرالها را مورد حمله لفظی قرار میدهد، به حمایت از او بر میخیزد. و در این حافظ نظم مدافع قانون سرمایه، و تقدیر کورجا معنه بحران زده، ما نجات خویش را میبیند؛ نما بندگان بورژوازی لیبرال در مجلس همگی از بنی صدر دفاع کرده اند و میگویند.

اما از آن زمان که توده های انقلابی به شرایط موجود اعتراض میکنند، و با بحران اقتصادی سیاسی موجود کمر کارگران و زحمتکشان را دو تا کرده است، فقر و تنگدستی و بی خانمانی میلیونها زحمتکش که امید خود را در دنیا بی نو، و نه همان دستگاه فرتوت و کهنه بوروکراسی سابق میبینند، و از آن زمان که جناح خرده بورژوازی حاکم به خطری بنی صدری میبرد و مشخصاً در سال جدید و پس از انقلاب فرهنگی، بنی صدر وضعیت سابق خود را بیش از پیش از دست داده است. بنا بر این بنی صدر با این جناح خرده بورژوازی بیش از پیش درگیر میشود. و سیاست بورژوازی خود را از درون همه اوضاع منقوش کنونی به پیش میبرد. او مردم را او میدارد که بین او و همه یکی را انتخاب کنند؛ اما انتخاب بنی صدر همان انتخاب سرما به داری برهبری یک بورژواست. در این شرایط، علی رغم همه کوششهای بنی صدر اوضاع به سود بورژوازی حاکم پیش نرفته است. بورژوازی حاکم عناصر خود را روز بروز بیشتر به صف اپوزیسیون ضد انقلاب مغلوب تحویل میدهد و عرصه

تنگ شده، خود را در آنجا وسعت میدهد. با این حال این بنی صدر است که یک تنه با دفاع از یک طبقه را در حاکمیت بدوش میکشد و با زهم عوام فریبانه میگوید:

"در این شطرنجی که مرا یک طرف آن قفسار داده اند همه راهها را دارند میسندند تا من مات شوم"

"بدیهی است که رئیس جمهوری این وضع را تحمل نخواهد کرد، یعنی در برابر امام قطعاً مقابل نخواهد شد و نخواهد ایستاد و ترجیح خواهد داد استعفا کند و کنار برود. مطبوعات انقلاب بر همه چیز مرجع است و او مطبوعات انقلاب را فدای مطبوعات شخصی نخواهد کرد." بنی صدر میگوید و توطئه میچینند تا او را با امام مقابل کنند. اما او تن در نخواهد داد، با این وجود با راه غیر مستقیم به امام حمله کرده است. بارها آنچه را امام مقدس کرده، غیر اسلامی نامیده است. بنی صدر حالت تعلیقی خود را در میان دو جناح بورژوازی و خرده بورژوازی حاکم، مدت ها ست از دست داده است. او دیگر منتجه و برآیندهای حاکم نیست و مصالح تاریخی بورژوازی را به شکل، با هر ما نورو سیاست و حتی اگر لازم باشد تبدیل "حزب خود" به یک جریان واقعی مورد دفاع قرار داده است. برخورد های اخیر بنی صدر انفعالی نیست، فعال است. و فعالیت او بهره برداری از تعادل، تضاد و و هراس برای دفاع از سرما به میباشد. اما تعادل مطلوب برای او وجود ندارد. بدین ترتیب امید جدید بورژوازی در بنی صدر با بحران روبرو میشود. و در حالیکه بنی صدر بر قیمت خود را تقویت میکند و در برابر همه در "صحنه شطرنج" میایستد بورژوازی حاکم بیپوشه صفوف خود را به سمت ضد انقلاب مغلوب تخلیه میکند، تصویر کلی تر اوضاع بورژوازی - امپریالیسم و شرایط مبارزه طبقاتی را در دوره سوم بدین گونه میتوان خلاصه کرد:

"ادامه دارد"

رفقا و هواداران! رزمندگان را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید!

توضیح و پیوست:

در شماره قبل نشریه، در مقاله جنبش مقاومت خلق کرد و کتابک کمونیستها درص ۷ - ستون ۳ گفته شده است:

"فعالیت عمده سازمانهای م. ل. تبلیغ سیاسی و مبارزه..."

که با بدیهی تصور اصلاح شود:

"یک وظیفه مهم سازمانهای م. ل. تبلیغ سیاسی و مبارزه..."

بورژوازی یکسال ونیم

پیشنها د خوددا نشجویان بود (۱) وا کثرت اعضای شود
رای انقلاب با تحویل گرفتن کروکا نها از دا نشجویان
مخالف بودند (۲) اما به حال آزادی کروکا نها به
هیچ وجه مطرح نیست. "اومیکوید: پیام (ا م م م)
سیا رسیا رییا م جالبی بود" و این پیام این بود که
مسئله کروکا نها را باید نماندگان مردم (مجلس)
حل کنند.

موکول به بررسی ونظریتی مد رسیا شد.
رفسنجانی نیز در همین زمان میگوید:
"اکر آمریکا سدی بدهد که تا تشکیل مجلس هیچ
اطهاری در ساره، کروکا نها بکنند و لوشورای انقلاب
کروکا نها را تحویل خواهد گرفت."
آمریکا اعلام کرده است که تحویل کروکا نها به
بنی صدر و دولت او "خوبست" اعتراض نیرو ه های

اونمیتوا ندبر مبنای تعادل حرکت کند و بسن سوا ن
نیروی ما فوق نیروها حرکت کند، یعنی بعنوان
کسیکه بر ارتش و قوای نظامی مجرد شده و بر فراز
جاسه مشکناست. کسیکه بور و کراسی نیرو مندی را در
بشت سردا رد، کسیکه از مبارزه همه با هم بود خود و
بسود بورژوازی بعنوان یک طبقه سود میجوید هر چه
خرده بورژوازی قدرتمند تر میگردد و بیشتر با آن
درگیر میشود.

تعمین نخست وزیر و تشکیل کا بینه قبل از مجلس
بخاطر آنکه مجلس را در برابر کا بینه خود قرار دهند
خنثی میگردد. این مجلس و این فراکسیون حسیزب
جمهوری اسلامی است که نخست وزیر را تعیین میکنند.
و تعادل گره در نخست وزیر وجود ندارد؛ و علناً خود
را مقلدا ما م، منتخب مجلس و ملت، و "برادر بنی
صدر مینا مد را بطنه" برادری ساده ترین رابطه میان
مسلمانان!

ما نور بنی صدر در برابر مجلس شورا بسیار رهپسید ه
بود، او اعلام میکند مسئولیت کا وزرا را بعهده نمیکرد
بدین ترتیب سعی میکند حق تعیین نخست وزیر را
بدست آورد؛ و این حق را از امام میگیرد. اما اولین
انتخاب او، یعنی احمد خمینی از آنجا که بسیار ما هراته
است و برای آن است که داستان "صدق و کثا نسی"
بقول بنی صدر تکرار نشود، با عکس العمل فوری آست
الله خمینی رویرو میگردد: آیا بنی صدر شاه است!
تا خمینی، کا شانی با شدن نخست وزیر مصدق!

دومین انتخاب او تصویر جوان تری از خود است.
اما متعلق به حزب آ نهم در ردیف سوم! این نیز شکست
میخورد، و مجلس بطور رسمی آغاز میگردد تا بتوانند
مهر حزب جمهوری را بر تارک نخست وزیر برزند.

مجلس به رجا بی رای میدهد: مقلدا ما م، منتخب
مجلس یعنی منتخب حزب، او برادر بنی صدر، بنی صدر
فی نامه ای به مجلس به طور تلویحی مسئولیت او را
نمی پذیرد اما باز او را تا مزده نخست وزیر می کند!!
"از آنجا که مجلس شورای اسلامی به او رای اعتماد
داده است و آیت الله خمینی او را تأیید کرده، او را سا
مزد کردم...!!" (نقل به معنی) معرفی نامه بنی صدر
به مطر

بدین ترتیب مجلس به اعتراض بر میخیزد و در مجلس
جناب بنی صدر جناحی که یزدی ها و با زرگانها، حجتی
کرمانی ها و خلخالی ها را در خود دارد بر لبه نامه بنی صدر
موضع میگیرند اما سرانجام رجا بی متعلق به حزب
است و بقول رفسنجانی: "باید کا بینه ای هما هنگ
انتخاب کند!"
اما بنی صدر کا بینه هما هنگ رجا بی را رد میکنند.
و مستقیماً به مردم رجوع مینماید و به مسرد م
میگوید: شما مرا انتخاب کرده اید اما شما حق مرا،
در تعیین، نخست وزیر از من گرفته اند. اگر من

انقلابی و افشاگری آنها، و اختلافات درون حکومت
سرانجام با رد یکدر اطلاعیه دفتر امام م منعکس
میگردد (۵۹/۱/۱۹):

"کروکا نها و سار تا تشکیل مجلس شورای اسلامی
در دست دا نشجویان باقی مماند."
آمریکا رابطه سیاسی خود را با ایران قطع نمیکند
و بدین ترتیب وقتی که آمد محل مسئله کروکا نها توسط
بنی صدر نیز از میان میرود، توجه خود را معطوف به اشکال
دیگر برای حل این مسئله مینماید.

مسئله کروکا نها بتدریج موضوع اختلافی میان
بنی صدر و جناح خرده بورژوازی حاکم میگردد و در این راه
بورژوا لیبرالها هستند که مدافع و پشتیبان او به حساب
می آیند.

بنی صدر بر هر جریانی سوار میشود. این توصیفی
است که آیت از بنی صدر میکند: گرسوار شدن بر هر جریانی
به خاطر حفظ سیستم انجام گیرد، اگر درگیری با
آمریکا با تضادهای نسبی با امپریالیسم در این راه
اخلال ایجاد میکند، آنگاه بنی صدر در صدد حل این
درگیری و با لافل تضعیف آن بر می آید. او نتوانست
بر جریانی سفارت آمریکا سوار شود، و به همین علل
نیز نمیتوانست پیرو سه قدرت یا بی خود را تکمیل
کند.

جریاناتی از قبیل حمله به دانشگا هها، بر تارک
های جناب، تصفیه بوروکراسی و ارتش و بویژه، واقعه
طبیعی پس از دیگری از راه میرسد و بنی صدر
را در وضعیت تدافعی قرار میدهند، او بندبازی میکند.
اما تدریجاً مفهوم بندبازی اوحی برای آیت الله
خمینی نیز روشن میگردد و از اینجاست که عظمت رئیس
جمهوری را آیت الله خمینی آشکارا روپنهان تضعیف
میکند و...
پیرو سه قدرت یا بی بنی صدر، پیرو سه ای است که
در آن تعادل قوا و تعادل مبارزه طبقاتی بهم میخورد.

از این زمان و با حمایت نسبی حزب جمهوری
اسلامی از دا نشجویان، تدریجاً مسئله کروکا نها به یک
موضوع اختلاف میان بنی صدر و جناح خرده بورژوازی
حاکم تبدیل میگردد. آنها البته هر دو چندانی از
داده بحران در این مورد در سر ندارند. اما در برابر
فشار رتوده ها و خواست آنها مبنی بر محاکمه کروکا نها
اولی بی اعتنا ست و دومی ناچار است آنرا به خاطر
اعتبار خود و همچنین خواست خود که براحتی تن به
فشار آمریکا ندهد در نظر بگیرد.

نه تنها بورژوازی که امپریالیسم آمریکا نیز
آمد خود را به بنی صدر مینماید. آمریکا امیدوار است
که با تقویت بنی صدر و قبضه قدرت توسط او مسئله کروکا
کا نها تنها با دادن دوسه "تضمین" هما نظور که بنی صدر
فته است حل میگردد. پس از نوروز ۵۹ و "پیام تاریخی
امام" که مال امنیت و کشتار را نوید میداد (و چنین
نیز بود) بنی صدر تعرض وسیع تری به مواضع مسرد ه
بورژوازی حاکم می نماید. و از نو مسئله کروکا نها
تحویل آنها بدولت را مطرح میکند.

مهدوی کنی در تاریخ ۹/۱/۱۴ گفت:
"تفا بندگان دا ئمی شورای انقلاب سحابیسی،
رفسنجانی، پس نیز برای مذاکره و تحویل کروکا نها
به جا سوخا نه آمریکا را هندرفت و با تحویل کروکا نها
به دولت دا نشجویان جا سوخا نه را ترک خواهند کرد و
احتمالاً از کروکا نها در همان محل جا سوخا نه البته
تحت نظر دولت نگهداری میشود."
نامه های رئیس جمهور آمریکا در ارتباط با پیام
امام، به او بنی صدر مورد بررسی شورای انقلاب
واقع میشود و سحابی در این مورد میگوید:
"نامه آمریکا در مورد پذیرش شرایط رئیس جمهور
در جلسه پنجشنبه شب در شورای انقلاب مطرح شد و چون
شرایط از دیدگاه ما کافی بنظر نمی رسید از این نظر،
امروز به جا سوخا نه نخواهیم رفت، و هر گز نه تصمیم

بدون رهبری طبقه کارگر سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم نابود نمیشود

بورژوازی یکسال ونیم

ضعف بورژوازی لیبرالها بویژه سرانجام آنقدر وسیع میشود که بازرگان پس از انتخابات مجلس شورای ملی بگوید: "ما در مجلس چاقوی رئیس جمهور را تیز می‌کنیم". بنی صدر پس از رئیس جمهور شدن نه میتوانند؛ علناً موضع بورژوازی لیبرالها را اتخاذ نکنند و نه میتوانند. مقابل حزب جمهوری اسلامی خرده بورژوازی حاکم از آنان متابعت کند، او که از بسیاری لحاظ جنبش تشریفاتی با بدداشته‌ها خود را به عنوان مسوول قاطع وجدی نشان میدهد که قصد دارند نظم موجود را حفظ کنند. و سرمایه داری را در ایران نجات بخشد. اما برای اینکار با قدرت داشت و قدرت واقعی یعنی فرمان راندن و اجراء شدن فرمان، یعنی اینکه بر نامه ها و جویانات اقتصادی و سیاسی راهبری کردن چنین است که بنی صدر در همان ماه اول ریاست جمهوری خود با اتکا به نمایندگان قانونی ۱۱ میلیون رای میخورد. اهدا کرد قدرت داشته باشد. در تاریخ ۵۸/۱۱/۱۶ چهار پیشنهاد شورای انقلاب برای ادامه کار بنی صدر به آیت الله خمینی ارائه میشود و سرانجام این یک مسوول پذیرش قرار میگیرد:

"بنی صدر ریاست شورای انقلاب را بپذیرد و مجموعاً ایشان و شورای انقلاب با همین وزاری که هستند کارشان را ادامه بدهند تا تشکیل مجلس معین فروردین ۵۸/۱۱/۱۶ با این وجود بنی صدر شورای انقلاب را مورد تعرض قلمی در ارگان خود یعنی روزنامه انقلاب اسلامی قرار میدهد و در روز ۵۸/۱۱/۱۸ مینویسد:

"اساس ضعف شورای انقلاب در خود اوست. رویه ای که شورای انقلاب در گذشته داشته است، رویه تسلیم و تردید در برابر پیش آمدها و تصمیم های این و آن گروه بوده."

او این مسئله را مستقیماً در ارتباط با مسئله دانشجویان در سفارت و افشاکری ها در مورد میناچی (که بلافاصله پس از دستگیری، دستور آزادی او را میدهد) و روزنامه ها با مداد دوسا بر مسائل مملکتی توضیح میدهد و پس از آنکه نشان میدهد هیچ معلوم نیست چه کسی مسئول مملکت است میگوید:

"بهر رو، با بدستول امور کشور هر چه زودتر معلوم شود با قاطعیت تمام مسئولیت امور را بر عهده بگیرد."
۵۸/۱۱/۱۸

سرانجام بنی صدر رئیس شورای انقلاب میشود و از این پس تلاش او برای تضعیف جناح خرده بورژوازی حاکم و دستگیری او و میگوید، باید مسئول امور کشور معلوم شود، و منظورش از مسئول امور کشور خود اوست. تا پیش از آن روز ۵۹ بنی صدر در چندین زمینه اصلی میخواهد خود را تحکیم کند:

- ۱- قدرت های پراکنده گروههای مسلح باید تابع دولت و فرماندهی او احداثند.
- ۲- دادگاههای انقلاب باید تابع دادگستری باشند و دادگستری باید محکم شود.
- ۳- راديو و تلویزیون، یون باید از دست انحصار طلبان خارج شود و در خدمت "بحث آزاد" قرار بگیرد.
- ۴- هر جا جنبش انقلابی وجود دارد باید سرکوب شود، آژیم "خانه به خانه" اما، توسط قدرت متمرکز، بسک فرماندهی.

- ۵- نباید بیهوده روابط را با آمریکا تیره سازد. نباید دیگر و گوناگونها را در دست دانشجویان گذاشت. باید مسئله را به خوبی خاتمه داد.
 - ۶- اداره کلیه صنایع و اقتصاد باید در دست دولت باشد. و بنیاد مستضعفین باید گزارش کار خود را به رئیس جمهور بدهد.
- ۷

میآورد تا نمایندگان مطلوب خود را به مجلس راه بدهند و صراحتاً از مردم میخواهد که برای اینکه نظم مستقر شود و مجلس و رئیس جمهور با هم کار کنند نمایندگان معرفی شده او را دریا بندند

* * *

پس از بروی کار آمدن بنی صدر او میدبورژوازی شد، او بعنوان کسیکه مورد اعتماد و جراح قسار

پس از بروی کار آمدن بنی صدر او میدبورژوازی شد. او بعنوان کسیکه مورد اعتماد و جراح قسار دست به حرکات مستقل خویش میزد. اما این حرکات بی‌دست راز همه متوجه حفظ سیستم موجود سرکوب انقلاب و منافع طبقه بورژوازی بود. بورژوازی بود، او برای اینکه از سرورژوازی دفاع کند مجبور بود آنرا مورد انتقاد قرار دهد. او نمیتوانست مثل بازرگان نه تزییه و دیگران جا معاً ایراد که سر تا سر در بحران اقتصادی، سیاسی و مبارزه طبقاتی حادث و فرورفته بود به سا دکی و با اعلام "نظم زمان شاه - بدون شاه" نجات دهد. اما در این راه به مثابه مدافع مجموعه طبقه، و دفاع از نظم، نمیتوانست در شرایطی که خرده بورژوازی از قدرت وسیعی در حاکمیت برخوردار بود، به مقابله با آن برخیزد. چنین است که طی یک دوره سرعت بنی صدر قدرت می یابد و ناگهان جناح خرده بورژوازی حاکم را از برابر خود می بیند که فریاد میزند: "ایست!"

آغازاً اختلافات وسیع میان بنی صدر و جناح خرده بورژوازی حاکم را با بد در مسئله گروگانهای آمریکا می جستجو کرد. بنی صدر که با دانشجویان در این مورد اختلاف داشت در توسط شورای انقلاب در اختیار وزارت خارجه قرار داد و گروگانها را مطرح میکند. در تاریخ ۵۸/۱۲/۱۸ اعلام میشود:

"گروگانهای مستقر در لانه جاسوسی امروزی پس از تحویل به نماینده وزارت امور خارجه به وزارت خارجه منتقل میشوند"

کنی میگوید: "نظری که شورای انقلاب داده است قاطع است."

شورای انقلاب قطب زاده را برای تحویل گروگانها آنها میفرستد و دانشجویان حاضر نمیشوند گروگانها را به قطب زاده بدهند. شورای انقلاب و از جمله بنی صدر که از این کار دانشجویان خشمگین شده است در روز ۵۸/۱۲/۱۹ اعلام میکند:

"اگر مسئله تحویل گروگانها به نماینده شورای انقلاب، ویا ملاقات هیات تحقیق حنا یا شاه و آمریکا حل نشود، در رابطه با نام این مسئله راحل خواهیم کرد. و سرانجام دکترا بنی صدر در تاریخ ۵۸/۱۲/۲۱ کشته شد و دانشجویان حتی به رئیس جمهور نیز حاضر نمیشوند گروگانها را تحویل دهند میگوید:

"تحویل گروگانها به شورای انقلاب و دولت پنجمه از صفحه ۸"

هر چه به آنها ۵۹ نزدیکتر میشویم، تلاش بنی صدر برای برآوردن بقاصه دگفته شده وسعت میگیرد. حوزه علمیه قم و بسیاری از آخوندها برای دفاع از دادگاههای شروع به جای دادگاه شری به تهران می آیند و از امام میخواهند جلوسر، نامه بنی صدر بایستند. نمایندگان بنی صدر که بنیاد مستضعفین فرستاده میشوند، دست خالی برمیگردند. حزب جمهوری اسلامی و فعالان آن در بنیاد دین نوبه خود مانع گزارش رسمی وجدی و تحقیق میشوند. بنی صدر از بنیاد پیش امام شکایت میکند. بنی صدر دادگاههای انقلاب را بی قاطعیت توصیف میکند. از ادیو تلویزیون میخواهد تا انحصار طلب نباشد و به "او" و "ادیه گران" اجسازه دهند در ادیو تلویزیون آزادانه سخن بگویند. همین بنی صدر در حالیکه با دهان که نالود خود میگوید بد خانه به خانه را خواهد کوبید، از ارگانهای پراکنده قدرت شکایت میکند. او نمی تواند بورژوازی لیبرال معمولی، یک "بازرگان" باشد. او خود را لیبرالها منطبق نمیکند. اما لیبرالها، سرعت در می یابند، آنچه او میگوید، آنچه او میکند، نواست دل آنهاست. آنها خود را از جد دست چاقوی به سطح؛ چاقوی تیزکن ارتقاء می بدهند. او فرماندهی قوا را از امام میگیرد. ریاست شورای انقلاب را میگیرد، کوشش میکند با اتکا به "وقوعید" خود به عنوان ناجی جامعه، تجسم "رای مردم" و "قائم و ن" نظم را مستقر سازد. اما هرگز خود را بورژوازی لیبرال نشان نمیدهد. او که نمایان خرده بورژوازی حاکم، و سیر حرکت آنها را بخوبی می بیند و می بیند که آنها نه نظم کسی نظمی، نه جامعه ای متعادل که جامعه ای غیر عادی و متلاطم را بیا به ریزی میکنند، آنها را از اغتشاش و بی نظمی وی برنا می کنند، و تلاش او برای قیبه قدرت، در تلاش برای "سازماندهی جد ارتش" و احیای آن نمایان می گردد. در این کار یک دسیسه بورژوازی کامل پیدا است. باید ما شین دولت را ارتش و بیوروکراسی را اساساً مستحکم نمود. نباید زاید به پروپای فرماندهان طاغوتی پیچید.

در انتخابات مجلس شورای نماینده بنی صدر خط بوه را بر میگزیند. او نه با احزاب و دستجات جبهه ملی و بیورژوازی لیبرالی، نه با حزب جمهوری، با هیچیک همراهی نمیکند. و دفترهما هنگی رئیس جمهور را بوجو

بورژوازی

یک سال ونیم پس از قیام

لیبرالهاست (ر. چه کلیه مدارک منتشره از شورای انقلاب در طی این مدت و سایر مواضع بنی صدر) اما تلاش میکنند راه نجات سیستم موجود را بیابند. او بر خلاف آنچه در باره کاست میگویند، نه در درون کاست (این عبارت را تنها برای توضیح مسئله بکار میبریم) یعنی نه در درون حلقه‌ای که بدور ولایت فقیه رده شده است، بلکه اتفاقاً در مقابل آن و با لاقبل نسبتاً در موضعی در برابر آن میباید. اینگونه تفهیم بندی بر حسب نزدیکی به فقیه و یا دوری به فقیه.

بورژوازی لیبرال در مورد زمین و املاک ارضی قرارداد بنی صدر در آن زمان نقطه تلاقی و بخش هبات حاکمه، یک کره یگانگانه بود. اما چنین کره‌ی چه چیزی میتوانست باشد جز مدافع سیستم موجود بطور کلی؟ مدافعی که بر خرده بورژوازی حاکم سوار میشود و با بورژوازی لیبرالها مرز بندی میکند. کسیکه به جای "قاپی شدن" بنا بورژوازی لیبرال ترجیح میدهد بورژوازی مستقلی باشد. نفع سیستم از نفع بورژوازی لیبرالها پراهمیت تر است. بدینگونه او که در حاکمیت است، در این بورژوازی نیز حضور دارد! و بناقض ضعف بورژوازی است و در عین حال منطق کورجا بعدر ما بعد از بحران زده او را به بالا میراند. بناقضی که نشناختن بریا بد در کبریهای دوجانبه اش میتوانست بر روی کار بیاید.

مواضع سیاسی و اقتصادی بنی صدر نشان میدهد که او فلسفه آنگه در ابتدا در عین خرده بورژوازی مرفه جولان میکند و گاه درون صفوف بورژوازی لیبرالهاست. اما نلاحظ میکند راه نجات سیستم موجود را بیابد.

اقتصاددان و یک دکتر خرا ذی امور معیشتی میشود. امیدهای بسیاری را بر می انگیزد. مردم میان "امنیت مدنی" و "اقتصاد اسلامی" بنی صدر و موسی را انتخاب میکنند. و تنها مدتی بعد است که میبینند این هر دو امنیت و اقتصاد اسلامی دوروی یک سکه اند و آن سرمایه داری حاکم بر ایران است.

اگر بورژوازی لیبرالها وجود خویش را در حکومت، اساساً مدیون سازش با امپریالیسم از سویی و اجبار خرده بورژوازی به سپردن گریز از آنها و وحدت کلی آن ها در حاکمیت و سپردن کارها به آنها از سوی دیگر هستند، بنی صدر موجودیت خود را به عنوان رئیس جمهر از همه چیز مستقل میکند. به رأی ۱۱ میلیون اتکاء میکند تا بتواند آسرا در مقابل هر کسی و از جمله در مقابل رای دهندگان خود عرضه کند. او حزب تشکیل نمیده. اما "ارگان خود" "انقلاب اسلامی" را منتشر میکند. و در آن به مقابله با احزاب میپردازد. روزنامه ها و به جای "فقیه" به "اسلام" و "ملیت" می اندیشد. و اسلامی بودن را از اختصاص بر زحمتیون خارج میکند. این روزنامه مبلغ "نظم" و "امنیت" مبلغ "صبر" و "خوشه" و تدریجاً مبلغ "قدرت متمرکز" به جای

قبول ولایت فقیه یا رد آن بدون توضیح همه جانبه مواضع یک فرد میتوانند به تفسیم بندی های روینمایی خیلی معمولی (از قبیل قبول اسلام یار د اسلام، شیعه یا سنی و مذهبی و غیر مذهبی و...) گشاید. نیده بود. مثلاً همین بنی صدر در تاریخ ۱۷ آذر ۵۸ در مورد کورگانها میگوید:

"در ملاقاتی که با دانشجویان در عمارت انعالی داشته برای آنها توضیح داده که ما کورگانها کسری و اشتباه از زور و مخالفت است و نفع نخواهد داد. بنی صدر کفایت سیاسی خود را در قبول شورای انقلاب بوده است. بنی صدر بر نامه های اقتصادی اساساً متمرکز طلبا نه بود و جهت ایجاد سرمایه داری دولتی ارائه میدهد. این امر که البته برای خرده بورژوازی حاکم که بواسطه مخالفت با سرمایه های بزرگ خواهان گسترش متمرکز آنها در دست دولت و ظرف دیگر بسط تولید کوچک و از این قبیل است، خوشا بند بود. خرده بورژوازی در مبارزه با سرمایه بزرگ، آنرا متمرکز بسط میکند و دست افراد خصوصی خارج مینماید و بدین ترتیب به متمرکز بیشتر آنها یعنی بزرگتر شدن آن کمک میکند. بدین ترتیب بنی صدر با طرحی از قبیل ملی کردن صنایع، ملی کردن بانکها (و حتی ملی کردن بازرگانی خارجی که فربا دیورژوازی را در می آورد) و وارد میدان میشود و در جهت خواسته های خرده بورژوازی مرفه گام بر میدارد. اما همین بنی صدر است که از یکسال پیش بدینسوازی بهره بانکی با جان و دل و با "دین و دنیا" دفاع کرده است. او در مقابل آیت الله منتظری که خواهان لغو هر نوع بهره بسود، ایستادگی کرد و نشان داد میتوان به سرمایه فرمان ایستاد داد. بدون آنکه دشمنان حسنی و تاریخی اس در قدرت با شند. علاوه بر کس بیبا دادر که مخالف طرح تقسیم اراضی با سرو موات (طرح ایزدی) در شو رای انقلاب بنی صدر بود، او همچنان که اخیراً بسز با زکوکرده است از طرح رضا صفهائی بخصوص طرح انتظامی او جانبداری نمود و خود را در برابر طرح

خرده بورژوازی حاکم، وضعف و بدنامی بورژوازی لیبرالها و نمایندگان مشهورشان مضعه تاریخ را در برابر ای بنی صدر کمانم باز میکند. "اراده" همگانی، که هر با زک میخواست بصورت رای عمومی متجلی میگردد، در وجود دشمنان دیرین منافع توده ها به جستجوی بیبا نکرنا بسته ای برای خود می پردازد. "اینجا در وجود بنی صدر بیبا نکرنا هنجاری برای خود می باید. بنی صدر ریاست جمهوری میرسد تا جمهوری را به اوج برساند. اما او اوقلاً چه میتواند بکند؟ او را چگونه با بد بررسی کرد؟ برای استکار با نسیم و به دوران ریاست وی تا کنون نظری سفکنم. تغییر و تحولات بس از حضور وی در این موقعیت "قانونی" را ببینیم که آیا هنوز نقطه تلاقی دو بخش اصلی هبات حاکمه است؟ و ببینیم آیا بددر بورژوازی حاکم بیبا نکرنا سی برای خود بیابد است. آیا این امید "جدید بورژوازی" قدرت سازماندهی بورژوازی را دارد؟ آیا بر نامه های او در جهت تحکیم موقعیت طبقه بورژوازی ایران به بیس رفته است؟ و در یک کلام مبارزات انقلابی، وضعیت بورژوازی و موقعیت امپریالیسم در دوران سوم چگونه است؟

بطور کلی میتوان گفت بورژوازی ایران در دو بخش حضور دارد: ضد انقلاب مغلوب که بورژوازی است. نحساری و بوروکرات سابق باشد، و ضد انقلاب حاکم که بورژوازی، جناحی از آن را تشکیل میدهد. هر گاه از لحاظ تاریخی به مسئله حاکمیت سیاسی بورژوازی در ایران توجه داشتیم با نسیم و به این موضوع که کلیه بخشهای بورژوازی ایران در گذشته به حاکمیت سیاسی دست نیافته اند و اکنون در موضع ضد انقلاب مغلوب جای دارند. در واقع بورژوازی حاکم مجموعه بورژوازی، یعنی طبقه بورژوازی را نمایندگی میکند و وقتی بنی صدر بعنوان رئیس جمهر با بوسیعی کند گفتیم به جلومحنه طبقه حاکمی آید هنوز بورژوازی لیبرال اطمینانی به او ندارد. در اولین روزهای ریاست جمهوری او سخایی عضو شورای انقلاب در باره اجتهادات محدود او سخن میگوید: "وظایف رئیس جمهر طبق قانون اساسی تعیین شده. رئیس جمهر به قانونگذار است و به مستقیم

هر گاه از لحاظ تاریخی به مسئله حاکمیت سیاسی بورژوازی در ایران توجه داشتیم با نسیم و به این موضوع که کلیه بخشهای بورژوازی ایران در گذشته به حاکمیت سیاسی دست نیافته اند و اکنون در موضع ضد انقلاب مغلوب جای دارند. در واقع بورژوازی حاکم مجموعه بورژوازی، یعنی طبقه بورژوازی را نمایندگی میکند.

در قوه اجرائیه دخالت داد و دهیست دولت مخری دستورات رئیس جمهر نیست. این شورای انقلاب امروز هم قوه منفعت است و هم قوه مجریه." ۵۸/۱۱/۹ اگر سخایی چنین منکوبه، منطق و قایع و مسایلی که هر روز پیش می آید، وضعف بورژوازی لیبرالها به آنها نشان میدهد که بنی صدر امید جدید بورژوازی است. پنجم صفحه ۹ * هجدهم برومرا رکن - ترجمه فارسی ص ۲۵

قطع کامل دستهای خونین امپریالیستها فقط بوسیله کارگران و زحمتکشانشان امکان پذیر است!

پیک رزمندگان

«کمونیست‌ها هرگز به مردم دروغ نمی‌گویند...
کمونیست‌ها هرگز به صاحبان قدرت
تکیه نمی‌کنند... کمونیست‌ها فقط به
قدرت طبقه کارگر و سایر زحمتکشان
و روشنفکران انقلابی تکیه می‌کنند.»
ولادیمیر لنین

تنها با آزاد کردن طبقه کارگر
می‌توان طست را آزاد کرد
رفیق هوش‌مین

اخبار کارگری

کارگران تبریز بر علیه ارتجاع!

اینک از سراسر ایران، خبرهای فراوانی از مبارزات
پر شور طبقه کارگران بر علیه توطئه‌ها و پرواز افزون حکومت
میرسد. توطئه برای انحلال شوراها و واقعی، توطئه برای لغو
سودویزه، توطئه برای اخراج کارگران انقلابی و آگاه، توطئه
برای فریب و سرکوب کارگران بوسیله نهادهای حرامزاده‌ای به
اسم انجمن‌های اسلامی، و این او خرتوطئه برای پایمال کردن
دن حق چهل ساعت کار در هفته...
در تمام این موارد، طبقه کارگران ایران، با تحمل مصائب
و مشکلات و با کسب تجارب روز افزون، خود را برای مقابله با
این توطئه‌های کثیف که دست اندرکاران حکومت هر روز میرا-
یش تدارک می‌بینند، آماده می‌کنند و تا آن جا که در توان دارد، به
خنثی کردن این توطئه‌ها و به سطح نوینی از شکل و آگاهی
دست می‌یابد.
کارگران تهران، تبریز، دیرخشی از این سنگر عظیم مبارزه
سهم خود را به طبقه کارگران ادا می‌کنند!

بقیه در صفحه ۶

برنامه "مکتبی" رجایی برای حل مشکل زحمتکشان

بعد از مدت‌ها کشمکش
جناح‌های مختلف هیات
حاکمه بر سر نخست وزیر،
عاقبت زور حزب جمهوری
اسلامی غالب شد و محمد
علی رجایی به نخست
وزیری انتخاب گردید،
تا خط مشی حزب جمهوری
اسلامی را پیش ببرد،
بهشتی یکی از رهبران
حزب جمهوری اسلامی در
مورد رجایی می‌گوید:
"آقای رجایی عضو
حزب جمهوری اسلامی
نیست ولی از کسائی،
است که خط مشی حزب
را تا شید کرده است"
(روزنامه جمهوری اسلامی
۲۳ مرداد) بقیه در صفحه ۲

بمناسبت یازدهمین سالگرد
درگذشت
رفیق
**هوشی
مین**
۱۰ صفحه







کافوآد در قلب زحمتکشان کردستان

همیشه زنده است!

یکسال از شهادت رفیق فوآد مصطفی
سلطانی می‌گذرد. در این روز طبقه کارگر
وزحمتکشان ایران و خلق دلیر کردی که
از بهترین فرزندان دلاور خود را از دست
داد. رفیقی که با کوله بار سالها مبارزه
بقیه در صفحه ۱۲



در صفحات دیگر می‌خوانید

- اطلاعیه شماره ۳
 - مردم مبارز نارمک از آزادی
یاسناری می‌کنند
 - تبلیغات مساوی
حزب جمهوری اسلامی
 - هزینه‌های سنگین تبلیغاتی
تواری فریب خلق کرد
 - ستاد بسیج ملی چه می‌کند؟
- 
- 
- 
- 

گشتار قارنا

یکسال از فاجعه گشتار و قتل عام قارنا توسط رژیم جمهوری
اسلامی می‌گذرد. فاجعه‌ای که گشتار صهیونیست‌ها در "دیریا سین"
و "کفر قاسم" را به یاد هر کس می‌اندازد، و خشم و کینه اش را نسبت
به تمامی رژیم‌های سرمایه‌داری و حکومت‌های ارتجاعی افزون
و افزون تر می‌کند.
در دیریا سین چه گذشت و در قارنا چه پیش آمد؟
سال‌ها پیش صهیونیست‌های اسرائیل در یک دهکده در مناطق
اشغالی، حکومت نظامی اعلام کردند، عده زیادی از مردم روستا،
جوانان، مردان و زنان کشته شدند و زمین‌های اطراف دهکده را میکردند.
دنده از اعلام حکومت نظامی خبری نداشتند. اما قانون اعلام
بقیه در صفحه ۱۷

۴۰ ساعت کار در هفته خواست کارگران است!

رژیم جمهوری اسلامی
که ادعا می‌کند طرفدار
کارگران و زحمتکشان
و با بقول خودش
"مستضعفین" است،
بقیه در صفحه ۹

برنامه مکتبی، رجایی...

پایه از صفحه ۱

حزب جمهوری اسلامی در مدت ۲۰ ماه گذشته، خط مشی خود را نشان داده است. فریب دادن توده ها و همزمان با آن سرکوب آنها، برقراری جواختناق و سرکوب هرگونه آزادی و حق خواهی کارگران و زحمتکشان. تسلط خط مشی حزب جمهوری اسلامی یعنی ادا مه فقر و محرومیت هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان، یعنی ادا مه بیکاری گران کمر شکن، کمبود کالاهای مورد نیاز زحمتکشان، بی مسکنی و...

این را ما از خودمان نمیگوئیم واقعیت میگوید. حزب جمهوری اسلامی به عنوان یکی از جناحهای حکومتی در مدت ۲۰ ماه گذشته در تمامی عملکردهای ضد انقلابی و ضد مردمی حکومت همدست جناح دیگر بوده است. ممکن است بعضی ها بگویند: "نیا بدو قضاوت کرد. شاید دولت رجایی غیر از سیاستهای گذشته حزب را اجرا کند. ما میگوئیم این فکر، یک خیال خام بیشتر نیست چرا؟ میدانیم که معمولاً دولت‌های جدیدی که روی کار می آیند بر نامه آینده کارشان را میگویند که در مورد دولت‌های ضد مردمی این بر نامه عموماً همراه است با وعده و وعیدهای فریب دهنده و گول زن و تنهادر حد حرف و وعده باقی میماند و به مرحله اجرا در نمی آید. رجایی نیز در اولین مصاحبه مطبوعاتی خود در جواب سؤال چه بر نامه‌ای برای بیکاران در نظر گرفته اید میگوید: "بر نامه خاصی که علاوه بر آن ایجاد کار بوسیله شرکتهای تعاونی باشد، ندارم و معتقد هستم که باید آنرا فعالترش کرد. برادران ما که در دولت قبلی عمل میکردند، از این بر نامه راضی بودند. ولی فقط باید کمی کیفیت آنرا برای تولید بایز کرد." این است بر نامه رجایی برای حل مشکل بیکاری.

صدها هزار کارگر و زحمتکش بیکاری که در ۲ سال گذشته در سخت ترین شرایط، این گرانی سرسام آور عذاب کشیده اند، آیا از دولت سابق طرح و بر نامه عملی برای ایجاد کار دیده اند؟ در حالی که صدها هزار نفر از کارگران و زحمتکشان ما بیکار بودند و هیچ منیغ درآمدی نداشتند، دولت سابق نه تنها هیچ کار جدی و عملی برای ایجاد کار برای بیکاران نکرد، بلکه با اخراج کارگران و تعطیل کارگاهها و کارخانهها بر تعداد بیکاران افزود. حال رجایی از کدام بر نامه ایجاد کار دولت سابق صحبت میکند و اظنه رضایت مینماید و معتقد است که باید آنرا فعالتر کرد؟

رجایی میگوید: "برادران ما در دولت قبلی از این بر نامه راضی بودند" بله برادران رجایی در دولت قبلی از طرح و بر نامه خودشان برای بیکاران راضی بودند چرا که اساساً آنها ضد کارگران و زحمتکشان هستند. برای دانستن اینکه طرح و بر نامه دولت سابق (که هیچ طرح و بر نامه‌ای وجود نداشت) برای ایجاد کار برای بیکاران خوب بوده است یا نه، باید از صدها هزار زحمتکش بیکار پرسیدنه از "وزیران دولت سابق".

در همین مصاحبه رجایی در جواب حل سایر مشکلات توده‌های زحمتکش میگوید: "مردمی داریم که فرششان روی زمین است و لحافشان روی آسمان ما آنها را فراموش کرده ایم و نگران کنائی هستیم که مستاجر هستند... در شرایطی که روستاها آب

آنها میدنی ندارند، آیا خانه در شهرها از اولویت برخوردار است؟ ما چون عموماً در شهر زندگی میکنیم، فقط نیازهای شهر را میبینیم برای ۵۰٪ مردم خانه کم است، میوه شان گران است، در آندیشان کافی نیست ولی ۵۰٪ دیگر از مردم اصلاً هیچ ندارند.."

آیا این حرفها به گوشتان آشنا نیست؟ آیا به بیاد شما میآورد که با زرگان هم در جواب خواستههای برحق توده های مردم همین حرفها را میزد؟ وقتی زحمتکشان شهری خواسته های برحق خود را مطرح میکنند، مشکلات و نیازهای زحمتکشان روستا را به رخ آنها می کشند. وقتی زحمتکشان روستا خواسته های برحق خود را میخواهند، مسائل و مشکلات زحمتکشان شهرها را چماق سرکوب میکنند. در حالی که نه برای زحمتکشان شهرها کاری میکنند و نه برای زحمتکشان روستاها.

رجایی با این حرفها میخواهد مشکلات عظیمی مثل بیکاری گران، کمبود کالا، کمی دستمزد، بی مسکنی که هم اکنون زحمتکشان ما با آنها درگیر هستند را ما ست مالی کند و خواسته و نیازهای کارگران و زحمتکشان شهرها را در مقابل نیازهای روستائیان قرار دهد.

رجایی درجایی دیگر خیلی روشن میگوید: "حال اینکه جا مع به سرعت منتظر است ما مسائل رفاهی را مطرح کنیم. من اینرا خط صحیح نمیدانم. ما آنقدر که نگران مکتب هستیم، نگران کمزوری دی پرتقال و انگور نیستیم"

(مصاحبه با خبرگزاری پارس روزنامه جمهوری اسلامی - شهریور) در شرایطی که مشکلات کمر شکنی مثل گرانی، کمبود کالا، کمی دستمزد... که پشت زحمتکشان میهن ما را خنم نموده است، ببنیاد میکند، رجایی حل آنها را خط صحیح نمیداند. و نگران "مکتب" خود است!

برای زحمتکشان حرفهایی مثل "ما برای اسلام انقلاب کردیم" مگر ما برای ارزان شدن خربزه و گوشت... انقلاب کردیم. "مگر ما برای شکم انقلاب کردیم" تازگی ندارد. مدت ۱۸ ماه است که گردانندگان رژیم جمهوری اسلامی خواسته های برحق کارگران و زحمتکشان و سایر اقشار خلق را با این گونه حرفها سرکوب کرده اند، تا پایه های حکومت ضد خلقی خود را مستحکم سازند.

* * * ما کمونیستها از همان روز اول گفتیم این رژیم یک رژیم سرمایه داری است، و گردانندگان جمهوری اسلامی حافظ و حامی سرمایه داران و نظام سرمایه داری هستند. خواسته ها و نیازهای مادی و معنوی توده های زحمتکش در جمهوری اسلامی برآورده نخواهد شد. با زهم میگوئیم نه رژیم شاه خائن و نه رژیم بختیار خائن، نه رژیم جمهوری اسلامی، نه جناح حزب جمهوری اسلامی آن، نه جناح بازرگان و بنی صدر آن هیچکدام نمیتوانند پاسخگوی نیازها و خواسته های مادی و معنوی توده های زحمتکش باشند. چرا که تمام آنها حافظ و حامی رژیم سرمایه داری هستند. رها یی کارگران و زحمتکشان و برآورده شدن خواسته های آنها تنها و تنها در برقراری حکومت انقلابی کارگران و زحمتکشان یعنی ایجاد جمهوری دموکراتیک خلق است. حکومتی که در آن توده های زحمتکش از طریق شوراها انقلابی خود حکومت را در دست میگیرند و با قطع دست سرمایه داران و چپاولگران منافع خود را پیش خواهند برد. *

جاودان باد
خاطره
رفیق شهید
تقی شهرام



اطلاعیه شماره ۳

همانطور که در اطلاعیه های قبلی اعلام کردیم ، ما - تنی چند از اعضا - اسبق سازمان مجاهدین خلق ایران و اعضای سابق بخش منشعب از این سازمان - لانم و وظیفه خود میدانیم بعنوان آگاهان و مطلعین از رویدادها و جزئیات درونی این سازمان - در زمان عضویت خود - با قرار دادن اطلاعات و آگاهیهای خود در اختیار مردم قهرمان ایران ، توطئه دروغ و فریب محاکمه رفیق محمد تقی شهرام را افشاء کنیم . اکنون در پاسخ به این وظیفه ، حقایق مربوط به کشته شدن جوان سعیدی را اعلام کرده و خلق قهرمان ایران را به قضاوت در این مورد دعوت میکنم :

جواد سعیدی که در رابطه با ضربات وارد شده به سازمان در شهریور سال ۵۰ مخفی شده بود ، بعد از آغاز زندگی مخفی در سازمان و در حدود اوایل سال ۵۱ ابتدا در ادامه راه مبارزه انقلابی علیه رژیم شاه دچار تزلزل شده و سپس بطور کامل به ایمن مبارزه پیوست . میکند و تصمیم میگیرد تا خود را به پلیس معرفی و تسلیم نموده ، با قرار دادن اطلاعات خود در ، تیار ساواک ، موجبات رهایی خویش را فراهم نماید . در همین رابطه و برای توجیه عمل ننگین خود ، به عناصری از سمپات ها و وابستگان علی سازمان مجاهدین خلق ایران - و از جمله اصغر و علی میرزا جعفر علاف - که آنها را میشناخت و اطلاعاتی در مورد روابط و فعالیتهای آنان داشت ، مراجعه میکند و پیشنهادی تصمص خود را در مورد تسلیم نمودن خود به ساواک ، به آنان اطلاع داد و به از آنها میخواست که در رابطه با خطر که از این بابت آنها را تهدید میکند با صلاح چاره اندیشی کنند . در حالی که با توجه به وسعت اطلاعات وی (۱) محدودیتهایی که در جهت پاک کردن رد های که در اثر خیانت او در خطر لو رفتن قرار میگیرد وجود داشت و نیز محدودیت امکانات و بوزه محدودیت امکانات هلنی سازمان در آن شرایط دشوار جنگی و ... ، چنین کاری یعنی پاک کردن رد ها دارای مشکلات غیر قابل حل بسیار و عملاً غیر ممکن بود و خیانت جواد سعیدی نمیتوانست ضربات مهم و غیر قابل جبران را برای سازمان بدنبال نداشته باشد .

در رابطه با این تسلیم طلبی و خیانت و برای جلوگیری از خطراتی که سازمان و استمرار مبارزه انقلابی آن علیه رژیم مزدور شاه را تهدید میکرد ، مرکزیت سازمان مجاهدین - که در آن زمان از شهدای قهرمان رضا رضائی ، محمود شامخی ، بهرام آرام و کاظم ذوالانوار تشکیل میشد - تصمیم به اعدام جواد سعیدی گرفت و اجرای این تصمیم را بر عهده مجاهد شهید کاظم ذوالانوار قرار داد . نکته مهم اینکه وابستگان و سمپاتیتهایی که جواد سعیدی از فعالیتهای آنان اطلاعاتی داشت و از جمله برادران میرزا جعفر علاف نیز بدلیل خطری که از جانب جواد سعیدی آنان را تهدید مینمود ، بطور صریح یا ضمنی انجام چنین اقدامی را از سازمان تقاضا میکردند . بنابراین برخلاف آنچه که در محاکمه رسوای رفیق شهرام کوشش شده از جواد سعیدی یک مبارز بیگسر علیه رژیم شاه خائن ، یک مبارز صدیق مسلمان ، یک شهید و ... بسازند که گویا بدلیل اختلافات عقیدتی ، بدستور رفیق شهرام و بدست مارکسیستها کشته شده است ، جواد سعیدی عنصری وادانه و خائن بود که تصمص به اعدام او در تابستان ۵۱ و ماهها قبل از فرار موفقیت آمیز رفیق شهرام از زندان ساری و پیوستن وی به سازمان و بدلیل خیانت آشکار او گرفته شد و در این تصمص گیری شهدایی چون رضا رضائی ، محمود شامخی و کاظم ذوالانوار شرکت داشتند که تاکنون کسی و حتی مدعیان فریبکار کزونی شهدای سازمان مجاهدین ، در ایمان اسلامی آنان شک نکرده اند .

در اواخر تابستان و اوایل پاییز سال ۵۱ ، ضربات سنگینی بر سازمان وارد شد و از جمله مجاهد قهرمان محمود شامخی شهید و مجاهد شهید کاظم ذوالانوار اسیر گردیدند . با دستگیری شهید کاظم ذوالانوار و نیز شدت فوق العاده ضرباتی که بر سازمان وارد شده بود ، سازمان نتوانست اجرای تصمصی را که گرفته شده بود پیگیری کند و جواد سعیدی نیز در همین زمان - حدود پاییز سال ۵۱ و نه آنچنان که بدروغ در محاکمه توطئه گرانگه رفیق شهرام عنوان شده است در سال ۵۲ - ارتباط خود را با سازمان قطع نمود ، در حالی که کماکان برای معرفی و تسلیم خود به ساواک مقدمه چینی میکرد . سمپاتها و وابستگان سازمان نیز در جهت چاره جوئی این مشکل و رفع خطری که آنان و کل سازمان را تهدید میکرد ، به سازمان فشار می آوردند .

در تابستان ۵۲ ، شهید کاظم ذوالانوار طی پیامی از داخل زندان از سازمان خواست که تصمصی را که گرفته شده بود ، اجرا کنند و مرکزیت سازمان نیز که در آن زمان از رفیق شهرام و شهدا بهرام آرام و مجید شریف واقفی تشکیل میشد ، با توجه به خطراتی که بدلیل خیانت این فرد متوجه سازمان بود ، اجرای تصمصی را که در یکسال قبل از آن گرفته شده بود ، تأیید نمود و دستور اجرای آن را صادر کرد . این تصمص در پاییز ۵۲ به اجرا درآمد .

(۱) وی تعداد زیادی از سمپاتیتهای سازمان را که در بازار فعالیت میکردند و امکانات زیادی (انبار و ...) در رابطه با آنان وجود داشت میشناخت . به همین دلیل به اسم مستعار جواد بازاری در سازمان معروف شده بود .

مقدمه

اطلاعیه ای که ملاحظه میکنید در تار - بخ ۵۹/۵/۱ آماده انتشار بوده که متاسفانه نه به تعویق افتاد . علت تعویق استنباطی بود که برخی از رفقا ، از سفارش رفیق شهرام داشتند . رفیق سفارش کرده بود که "ناباید هیچ وجه بهانه ای تبلیغاتی بر علیه مجاهدین و انقلابیون کمونیست بدست ارتجاع و ضد انقلاب داد و اگر اینگونه مطالب را خود سازمان مجاهدین خلق منتشر نماید ، کمتر میتواند مورد سوء استفاده رژیم قرار گیرد .

اما قبل از اینکه بتوانیم نسبت به انتشار یا عدم انتشار آن تصمیم بگیریم ، جلادان جمهوری اسلامی دست خود را به خون رفیق شهرام آغشتند .

اعدام رفیق شهرام انتشار اطلاعیه را از فوریت انداخت . در واقع جلادان جمهوری اسلامی زمانیکه دیدند آنها مات ردیبلان آنها هر چند با تاخیر فوق العاده و بسیار ضعیف ، آغازه افشاشدن کرده است ، پس از انتشار اولین اطلاعیه و هنگامیکه آن اطلاعیه بوسیله خانواده رفیق بسنه دادگاه ارائه شد اعلام کردند که دادرسی پایان یافته و دادگاه وارد شور شده است و از این پس دیگر هیچ سند و مدرکی پذیرفته نخواهد شد . آنگاه برخلاف بسیاری از محاکمات که روزها و هفته ها دادگاه در شور (۱) بسر میبرد ، سه روز پس از ورود شور بطور ناگهانی خیر اعدام شهرام را منتشر نمود و با اصطلاح همه را در مقابل عمل انجام شده ای قرارداد .

در واقع بیدادگاه انقلاب اسلامی و جلادان جمهوری اسلامی وقتی فهمیدند که

مقدمه

تبلیغات مسموم ارگانهای تبلیغاتی جمهوری اسلامی در مقابل مقاومت قهرمانانه و موضع انقلابی رفیق شهرام افشار گریه‌ها و چیز و بسا محدود نیروهای انقلابی و کمونیست که بی شباهت نبودند اروپس از مرگ سهراب نبود، داره به ضد خود تبدیل میشود و هر چه زمان میگذرد دلایل و براهین قاطعتری برای برائت رفیق تقی در مقابل افکار عمومی مردم ارائه گردیده و اسناد محکوم کننده و افشاگرانه علیه محاکمه کنندگان منتشر خواهد شد، دیگر تامل را جایز نمانده و سروه نمایش دروغ و فریب دادگاه راهم آوردند و خون رفیق را بر زمین ریختند. دشمن نشان داد که بسیار فوری تر از دوستان تقی از خود عکس العمل نشان میدهد. اگر دشمن بیش از یکسالونیم مشغول پرونده سازی، دروغ پردازی و شایعه پراکنی علیه تقی و همه انقلابیون بوده برخی دوستان و رفقای تقی تازه در آستانه محاکمه و اعدام میباشند و با تهاجمات کثیف دشمن افتاده بودند و دشمن حتی حاضر نبود این مقابله بسیار ضعیف و دیر وقت را هم تحمل کند و شتابان و با عجله با اعدام رفیق تقی گریبان خود را رها ساخت و بار دیگر دشمنی خود را با جنبش و انقلابیون به وقیحانه ترین شکل اثبات نمود.

بهر حال، با اعدام رفیق شهرام، اطلاعیه با زهم به تاخیر افتاد. اگر چه این بار تاخیر دیگر بمعنای از دست دادن فرصت نبود. با اعدام رفیق فرصت ها دیگر از دست رفته بود و قضیه آنها مات رفیق تقی و قضاوت نسبت به آن از حالت یک قضیه مبهم و فوری خارج شده و در دل تاریخ جا گرفته بود. دیگر انتشار اطلاعیه صرفاً هدفش باز کردن گوشه ای کما بیش ناروشن از تاریخ مبارزات انقلابی خلق ما و رفیق شهید شهرام بود، نه دفاع و مقابله فعال با توطئه های رژیم پیرامون این قضیه و ما نیز با این هدف، این اطلاعیه را مجدداً در دستورات نشر برای عموم قرار دادیم.

اطلاعیه

آنها میکوشند این واقعیت را که جواد سعیدی نه بخاطر این یا آن اعتقاد بلکه دقیقاً بخاطر تسلیم بدشمن و پشت کردن به مبارزه علیه رژیم شاه اعدام شد کتمان نموده و با استفاده از احساسات مذهبی مردم، آنان را نسبت به کمونیست ها بدبین نمایند. اما ما برای آگاهی مردم ایران اعلام میکنیم که جواد سعیدی در سال ۵۲ و در زمانی که مجاهد شهید شریف واقفی در مرکزیت سازمان ضیعت داشت اعدام شد و مجاهد شهید شریف واقفی نه تنها در تصمیم گیری، بلکه در اجرای این حکم و نیز در انتقال جسد او مشارکت مستقیم داشت.

ما همچنین اعلام میکنیم که اصغر و علی میرزا جعفر عراف علاوه بر نقشی که در تصمیم گیری پیرامون اعدام جواد سعیدی (از طریق فشار آوردن به سازمان در جهت رفع خطری که آنان را تهدید میکرد) داشتند، در آوردن جواد سعیدی به سرقراری که برای اعدام او ترتیب یافته بود نقش فعال و مستقیم داشتند. لازم به توضیح است که جواد سعیدی که خود نگران تصمیم گیری قاطعانه سازمان در مورد قصد خائنه اش یعنی بر معرفی خود به پلیس بود مدام از جنگ سازمان میگریخت و در سرقراریهای سازمانی حاضر نمیشد. تا اینکه خود برادران میرزا جعفر عراف و با این وعده که میکرو فیلم هایی از اعترافات سایر رفقا و اطلاعات ساواک تهیه شده و برای اینکه در بازجویی دچار فشار نشوی لازم است آنها را ملاحظه کنی، وی را به محل اجرای حکم اعدام آوردند و سپس جسدش را از محل دور نمودند. بنابراین آنچه گفته شد، واضح است که اصغر میرزا جعفر عراف بیش از هر کس دیگری در جریان حقایق مربوط به کشته شدن جواد سعیدی قرار داشته و بیش از هر کس دیگری میتواند به روشن شدن واقعیت های مربوط به خیانت و ارتداد جواد سعیدی و اعدام او کمک کند؛ اما طبیعی است کسی که در سال ۵۶ خود را به ساواک شاه معرفی و تسلیم نمود و در اردیبهشت ۵۷، همزمان با اوج گیری مبارزه مردم بر علیه رژیم مزدور شاه (۱) یا آمدن پشت دوربین تلویزیون به دروغ پردازی و لجن پراکنی علیه انقلابیون و تخطئه مبارزه انقلابی علیه رژیم ددمنش شاه پرداخت تا موجبات رهایی خود را فراهم نماید، نمیتواند حقیقت خیانت جواد سعیدی را که هم خودش در اعدامش نقش داشته و هم اینکه بعدها یا جای پسای او گذاشته به آگاهی مردم برساند.

همچنین نمیتوان از کسانی که برای مبارزه با انقلابیون و بویژه کمونیستها و بسرازی تخطئه مبارزه انقلابیون رزمندگی ای که در سیاهترین و خفقان بارترین دورانهای حیات این ملت جان برکف علیه رژیم جلال شاه جنگیدند، رسوا و توطئه آمیز رفیق شهرام را ترتیب داده اند؛ از کسانی که برای برآوردن اهداف ضد انقلابی خود حتی خود فروختگان به رژیم شاه، خود فروختگانی همچون اصغر میرزا جعفر عراف را بخدمت گرفته و با اجازه میدهند که بهمان ترتیب که در رژیم شاه عمل کرده بود از تریبونهای دادگاه، مطبوعات و... بسرازی تخطئه انقلابیون و دروغ پردازی و لجن پراکنی علیه انقلابیون استفاده کند؛ از کسانی که از ترس افشای سوابق تنگین اصغر میرزا جعفر عراف و در نتیجه افشای اهداف توطئه گرانه ضد انقلابی ای که از تشکیل چنین محاکمه رسوایی تعقیب میکنند حتی از بردن نام او نیز خود داری کرده و از او تنها بعنوان برادر علی میرزا جعفر عراف اسام میبرند؛ از کسانی که از تخطئه مبارزه سازمان مجاهدین خلق ایران و بخش مشعب اینتن سازمان و بطور کلی از تخطئه مبارزه انقلابیون و کمونیستها بر علیه رژیم شاه و نیز از پسرده انداختن بر جنایات رژیم جلال شاه و نسبت دادن آنها به مبارزین بر علیه این رژیم نیز ابائی ندارند؛

آری، از کسانی که فعالانه دست اندر کار فریب مردم هستند نمیتوان انتظار داشت که در جهت کشف حقیقت و آگاه کردن مردم گامی بردارند.

در این میان کسانی که در پشت پرده سازی و اتهام تراشی علیه رفیق شهرام هستند و توانسته اند تاکنون وی را به محاکمه غیابی هم بکشانند، برای اعتراض از افشا دروغ ها و تباقت گویی هایشان آگاهانه در مورد تاریخ اعدام جواد سعیدی و عناصر تشکیل دهندند. مرکزیت سازمان در آن زمان و نقش شهید مجید شریف واقفی در این جریان سکوت کرده اند. چرا که آنها از یکسو ریاکارانه سنگ دفاع از شهید شریف واقفی را بعنوان شهید راه اسلام بسینه میزنند و در شهادت او اشک تمساح میریزند و از سوی دیگر جواد سعیدی را که شهید شریف واقفی در اعدامش نقش فعال داشته، شهید راه اسلام و... معرفی میکنند. اما ما بحکم وظیفه انقلابی خود در جهت روشن شدن حقیقت، بحکم وظیفه انقلابی خود در جهت آگاه کردن مردم قهرمان ایران، بحکم وظیفه انقلابی خود در جهت دفاع از مبارزات افتخار آمیز سازمان مجاهدین خلق ایران و بخش مشعب این سازمان علیه رژیم شاه و بالاخره بحکم وظیفه انقلابی خود در دفاع از مبارزات انقلابی رفیق محمد تقی شهرام، یکبار دیگر اعلام میکنیم که در صورتی که دادگاه صالحی - که عبارت از جمعی حیاسی - علنی متشکل از نمایندگان نیروهای انقلابی و نمایندگان رسانه های گروهی بود و توده های وسیع مردم بطور کامل آزاد امکان شرکت در آن را داشته باشند - برای رسیدگی به پرونده اتهامی

(۱) سند خیانت علی اصغر میرزا جعفر عراف از کیهان مورخ ۷ اردیبهشت ۵۷ استخراج و ضمیمه این اطلاعیه است.

زنده باد پرولتاریا

ما کارگران آگاهیم
 هوشیاریم
 با با زوان خودکار میکنیم
 یا مغز خود میاندیشیم
 و با انگشتان خود ما شاه را فاش خواهیم داد
 امروز میکشند ما را
 "پاسداران سرمایه" و "دزخیمان جمهوری اسلامی"
 در اندیشک، درود
 ساکا، مینو
 اما ما همچون کشتزارهای عمه‌هو
 هر سال درو میشویم و سال دیگر پربارتر
 میروئیم
 و با ایتنان به بیروزیمان
 سر می‌کشیم جام شوکران را
 از دست دزدان "ارزشهای اضافی"
 تا با اجساد خود بپرکتیم
 شکاف میان "کار" و "سرمایه"
 و فردا خواهیم ساخت حزب خود را
 "حزب طبقه کارگر"
 و با سینه‌های پراز کینه
 و دستهای پراز اسلحه
 چون سیل و رعد و باد
 از کارخانه‌ها به خیابانها خواهیم ریخت
 و فربا دخا خواهیم زد
 "زنده باد پرولتاریا"
 "م" کارگربا فنده

مقدمه

ما امیدواریم آن دسته از نیروهای می
 که هم اسناد و مدارک و اطلاعات بسیاری
 در دستهاست و وارد بر رفیق شهرام
 داشتند و در هر هم امکانات بحث و سبقتی
 برای مقابله با آنها جرات ردیلانده و ضسد
 انقلابی بیدادگاه انقلاب اسلامی و
 داشته و دارند، حداقل اکنون که دیگر
 پس از ریخته شدن مور رفیق شهرام

بدون و اهمیت از خدشدار شدن حیثیت
 سیاسی " () خود و بدون امید برای یک
 خرده تورژوازی آزرده نشود، دروغ هسا
 و اتهامات بیدادگاه انقلاب اسلامی را
 پیرامون محاکمه رفیق شهرام افشا نماید
 بید و به نسل آینده مردم امکانات و تسهیلا
 بیشتری برای قضاوت و داد درسی پیرامون
 جریان محاکمه و اعدام رفیق شهرام و
 اهداف ارتجاع و ضد انقلاب از این عمل
 ننگین، قرار دهند. ■

کیمهان
 شماره ۲۳۷ - شماره ۱۰۴۸
 شماره ۷ - ۱۰۷
 یکی از اعضای گروه مارکسیستهای اسلامی که طی چند سال
 فعالیت در این گروه و همکاری با کادر رهبری آن سرانجام
 با احساس شیبانی، از رفتار گذشته خود را مراجع ریست
 تسلیم کرده است، در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت کرد و ضمن
 شرح فعالیتهای خود به سئوالات خبرنگاران جواب داد
 گفت: در این مصاحبه ابتدا علی اصغر نیرزا خبرنگار چیتر
 آغاز سخن کرد

اعترافات یک عضو گروه مارکسیستهای اسلامی



رفیق شهرام تشکیل شود، ما حاضریم با حضور فعال خود در آن کلیه حقایق را که برای
 مردم و از آن مردم است در دسترس توده مردم قرار دهیم. در چنین صورتی ما نه تنها بنا
 حضور و شهادت مستقیم خود بلکه با تکیه بر واقعیات و اسناد و مدارک غیر قابل انکار موجود
 حقایق را که در این اطلاعیه و اطلاعیه های دیگر مطرح میکنیم با اثبات خواهیم رساند.
 ما همچنین اطمینان میکنیم که حتی اگر در همین محاکمه رسوائی که جریان دارد، به وکیل
 منتخب رفیق شهرام اجازه ملاقات با شهرام و بررسی و مطالعه پرونده وی داده نشود،
 ما اسناد و مدارک اثبات کننده حقایق را در اختیار وکیل منتخب وی قرار خواهیم داد.

گروهی از اعضا اسبق س.م.خ. و اعضای سابق بخش منشعب از این سازمان
 ۰۹/۱/۳۰

توضیح و پوزش

در شماره ۲۵ پیکر زندگان در مقاله
 کارگران چون کوهی استوار در مقابل
 نفوس و ویژه ایستاده اند ما مواضع
 فزینکارانه و ضد کارگری حزب جمهوری اس
 سلامی و کانون هماهنگی شورای اسلامی
 وابسته به حزب را افشاء کردیم، لازم به توج
 ضیح است که هر کجا ما از کانون هماهنگی
 شورا های اسلامی یاد کردیم، منظور ما
 رهبری این کانون و سیاست حاکم بر آن
 است و روشن است کارگران زحمتکش
 که در اطراف این کانون جمع شده اند و
 عموماً ضد سرمایه دار و خواهان تامین منافع
 فزینکاران هستند، با این توهم و خیال
 که گویا کانون هماهنگی ضد سرمایه داری و
 حامی کارگران است، دور این کانون
 جمع شده اند. ما نیز برای زدودن این
 توهم و خیال باطل، برای آگاه کردن
 کارگران و نشان دادن ماهیت ضد کارگری
 این کانون مواضع و نظرات و اعمال آنها
 را بررسی و افشاء نمودیم.

انقلاب اسلامی سه شنبه ۲۸ مرداد ماه ۱۳۵۹

سؤال از آقای حجازی

آقای فخرالدین حجازی، شما در زمانیکه آقای مدنی استاندار
 خوزستان بودند در سخنرانی خود در آبادان از اقدامات ایشان در
 منطقه خوزستان قاطعانه دفاع کردید و از ما مردم نیز خواستید که
 از ایشان حمایت کنیم که نوار آن سخنرانی نیز موجود میباشد،
 میخواهم از شما سؤال کنم چرا حالا او را آمریکایی مینامید و بسا
 وجود اینکه یکی از دلائل رد اعتبار نامشان همان اقدامات در
 خوزستان است شما چرا رای کبود دادید؟
 آبادان - حمید کبارشی

فخرالدین حجازی نماینده اول تهران
 در زمان استبداداری مدنی خائن سیسده
 آبادان میروید و اقدامات مدنی جلاد
 قاطعانه دفاع میکنید و از مردم نیز میخواه
 هدچنین گفتند.

این اقدامات قاطع مدنی جلاد و خا
 کین چه بودند؟
 به خاک و خون کشیدن و کشتار هزاران
 فخر از فرزندان دلاور خلق عرب، برقرار و
 خفقان و دیکتاتور توری در خوزستان و سرکوب
 نیروهای انقلابی و توده های زحمتکش.
 به همین دلیل فخرالدین حجازی
 این عنصر فریب کار روضا انقلابی و مددا
 به آبادان میروید و چکمه های مدنی جلا د
 را میپوسد.
 ولی حالا که اختلافات دو جناح ضد
 انقلابی هیئت خاکمه بیشتر شده همین فخر
 الدین حجازی وحامی قاطع اقدامات
 مدنی جلاد برضدا و سخنرانی میکنند و در
 مجلس به اعتبار نامها و وزای منفی میدهند
 اینست ما هیئت فزینکارانند گردانندگان
 جمهوری اسلامی.

شکست ارتجاع در سیج کارگران راه آهن!

از سوی انجمن اسلامی راه آهن در ماه گذشته راه پیمانایی علیه کمونیست ها و مجاهدین اعلام شد و اطلاعیه آن به درودیوار چسبانده شد. این امر فلاترها و مزدوران انجمن اسلامی را خیلی خوشحال کرده بطوریکه همه جا سرکشی کرده و هر کس را احیاناً خبر نداشت شفاها در جریان میگذاشتند. اطلاعیه تا شیرمتفا و تسی در اقشار مختلف کارگران گذاشت. کارگران عقب مانده اصلاً نمیدانستند قدر اهمیت پیمانایی چیست و اگر هم میدانستند موضع بی طرف نسبت به آن میگرفتند. کارگران میان بی، بطور ضمنی به محتوای راه پیمانایی اعتراض داشتند اما این اعتراضات جنبه تهاجمی نداشت. کارگران پیشرو نیز اساساً با برگزاری چنین تظاهراتی مخالف بودند.

روز راه پیمانایی از ۳۰۰۰ کارگر فقط ۳۰۰ نفر برای راه پیمانایی جمع شدند و تنها شعار آنها نیز "الله اکبر، خمینی رهبر" بود. و در محوطه شروع به راه پیمانایی کردند. در چهره بعضی کارگرها آثار رخسالت و در بعضی از آنها حالت مسخره دیده میشد. گویا با دشمن میافتا دکه در زمان شاه هم مجبور بودند، به راه پیمانایی اجباری رفته و شعار بدهند. غلبه غم محتوای اعلام شده راه پیمانایی شعار مرگ بر کمونیست، و مرگ بر منافق بیش از یکی دویسار داده نشد. و بعد از یک دور راه پیمانایی کارگران به آنها ر خوری رفته و یک نفر از انجمن اسلامی قوری به بالای تریبون رفت و قطعنا مه را خواند. کارگران نماز جماعت خواندند و متفرق شدند. بعد از اتمام ساعت کار از راننده های سرویس حاضر بیه رساندن کارگران نبودند. میگفتند از وقت اداری گذشته و هر وقت شما بخواهید که نمیتوانیم سرویسها را آماده کنیم. این عمل سردرد دل کارگران را بیشتر با زکرد و بیشتر فهمیدند که چگونه به زور به تظاهرات رفته اند. کارگران زمزمه میکردند: "حق و حقوقمان را نمیدهند، نه! قطع شده، اضافه کار قطع شده! راستی ما چقدر ساده هستیم، برای رئیس راه آهن راه پیمانایی میکنیم و اتوبوسها را هم از ما میگیرند...!"

بقیه در صفحه ۷

کارگران تبریز

بقیه از صفحه ۱



کارگران دلاور تراکتور سازی تبریز

- ۱. های مرگ بیرا ولسون
- ۲. آمریکانا بودا ولسون
- ۳. پنج شنبه تعطیل اولسون
- ۴. شورا الار تشکیل اولسون

کارخانته تراکتور سازی مدتی است که در تظاهرات کارگران مبارز میسوزد و اعتراضات کارگران لوزه بر اندام مدیران و مزدوران سرمایه انداخته است. مبارزه کارگران در تراکتور سازی، اینک حول محورهای حفظ ۴۰ ساعت کار در هفته، تشکیل شورا و غذای ظهر انجام میگردد. روز دوشنبه ۲۰ مرداد، بعضی اینک مدیرعامل جدید به کارخانه می آمد، کارگران با اطلاعیه ای رو برو میشوند که در آن با امضای شورای انقلاب از کارگران خواسته شده است که از این بیعت با پدیده هفته ای ۴۰ ساعت کار نکنند، آنها ر داده تمی شود و پنج شنبه تعطیل نیست. این اطلاعیه ضد کارگری خشم کارگران را بر می انگیزد. بیش از ۵۰۰ نفر از کارگران اجتماع کرده و مدیرعامل جدید را احضار میکنند. مدیرعامل که از ترس خود را مخفی کرده بود، سرانجام مجبور میشود که در جمع کارگران حاضر شود. کارگران با ورود مدیرعامل عقب گرد کرده و در حالتیکه با ایشان راه زمین میگویند و شعار میدهند و در بیطرف میدان قیام در وسط کارخانه میروند و مدیرعامل مجبور میشود که بدنبال آنها راه بیفتد. کارگران با صدای رسا فریاد میزدند: این هفته ۴۰ ساعت، ۵ شنبه تعطیل اولسون، شورا الار تشکیل اولسون... آنها مدیرعامل را دوره کرده و بسرعت او را در یک دادگاه کارگری محاکمه میکنند. مدیرعامل خود را به موش مردگی زده و میگوید بین شما دولت رابط هستم و کارهای نیستم. این قانون جمهوری اسلامی است که همه با پدیده ۴۰ ساعت کار نکنند. کارگری که انقلاب کرده با تیکه کار بکنند...

بقیه در صفحه ۸

مبارزات کارگران اخراجی مسجد سلیمان ادامه دارد

در نقاط مختلف شهر تبریز علیه مظالم حکومت سرمایه داری، دست به افشاکاری بزنند. آنها هر روز خبر میآوردند که مردم شهر بگرمی از آنها استقبال کرده و از کارگران حمایت میکنند. همچنین عده ای از کارگران صندوقی با خود به شهر میبرند و برای ادامه تحصن پول جمع میکنند. آری، وقتی شرایط مبارزه سخت شود، زحمتکشان بیاری یکدیگر بر میخیزند. از وقایع مهمی که در روزهای تحصن اتفاق افتاد، حمایت گروههای مختلف مردم از مبارزه کارگران بود که کنسون نماینده ۸۰۰ نفر دیپلمه های کارآموز

بقیه در صفحه ۷

هفته پیش نوشتیم که تحصن کارگران مبارز اخراجی، در محوطه شهرداری مسجد سلیمان شروع شد. و با موفقیت ادامه پیدا کرد. کارگران با عزم استوار خود تصمیم گرفته اند تا با اتحاد و یکپارچگی به همه خواسته های خود برسند. اینک کارگران متحصن تجربه های فراوانی در مبارزه با سرمایه داران آمر ختاند. هر روز، تعدادی از کارگران با بستن بازوبند "انتظارات تنظیم کارگری" را در محل تحصن برقرار کرده و عده ای نیز برای ناها رتداری می بینند. هر روز حدود ده نفر از کارگران وظیفه دارند که پلاکاردهای را با خود برداشته

مزدوران کارخانه چیت تهران

و کارگران بیکار

در تاریخ اول مرداد، به دستور سازمانگسترش اطلاعیه ای مبنی بر استخدام کارگران بیکار به اتفاق نگهبانی کارخانه چیت تهران نصب میشد و دو بدنه سال آن صدها نفر کارگر بیکار هر روز از ساعت

بقیه در صفحه ۷

مبارزات کارگران مسجد سلیمان

اقرارخواهند داد:

اگر چه بخش عظیم این گفته نما بیندگان درست است و نشان دهنده هوشیاری آنهاست ولی باید توجه داشت که در یک مبارزه کارگری همواره باید متوجه روحیه و شور مبارزاتی توده های کارگر بسود. یکنواختی مداوم حرکت (در اینجنا تخص) مسلماً باعث خستگی کارگران و تحلیل رفتن انرژی و شور مبارزاتی آنها میگردد. و این خود میتواند مهمترین عامل در شکست یک حرکت، پراکنده شدن کارگران، مستعد شدن برای هرگونه سازش با کارفرمایان باشد. این نکته است که رهبری هر حرکت کارگری باید به آن توجه کند. باید با تغییر شکل مبارزه و ارتقاء آن، از ظرفی از یکنواختی حرکت مبارزاتی جلوگیری شود و از طرف دیگر هر روز، شور و شوق مبارزاتی و درک و شناخت کارگران ارتقاء و رشد یابد. اشغال شهرداری، تنها شکل ارتقاء و تغییر شکل مبارزاتی کارگران نیست اگر اشغال خپرداری درست نیست، میتوان با توجه به شرایط محل و میزان آماجگی کارگران به اشغال دیگری مبارزه را ادامه داد و ارتقاء بخشید.

کسانی انجام گرفته است اعتراض کرده و ریاکاری های حکومت را در این رابطه افشا کرده اند. آنها همچنین بطور مرتب برای ساکنین محلات اطراف تحصن سخنرانی میکنند و در نتیجه از حمایت فعال مردم زحمتش محلات اطراف برخوردارند. کارگران شعاً رمیده اند؛ دردمان در شماست، مردم به ما ملحق شوید.

و طبیعی است که زحمتش کارگران سلیمان نیز، با جان و دل از این کارگران زحمتش حمایت میکنند.

با اینحال حکومت سرمایه داری، کمترین توجهی با اعتراضات آنان ندارد. کارگران، کم کم خسته از یکنواختی مبارزه و خشمگین از این همه بی شرمی، قصد تعرض جدیدی برای اشغال ساختمان شهرداری آغاز شده است.

نمایندگان مبارزه کارگران گفته اند: "ما نباید خسته شویم، اتفاقاً کارفرما هم همین را میخواهد. ما باید مبارزه را ادامه دهیم. در ضمن خود مقدمات میخواهیم، شهرداری را تعطیل کنند، اگر ما شهرداری را اشغال کنیم، آنها توطئه تعطیل شهرداری را اجرا کرده و مردم را در مقابل ما

شهر، دانش آموزان مبارزه کارگران مبارز صنایع فولاد، کارگران شرکت نفت، کارگران ایران ناسیونال، کارمندان جده بدالاستخدام شهرداری، و نگهبانان شهرداری با فرستادن پیام های خود، از مبارزات برحق کارگران اعلام پشتیبانی کرده اند.

نگهبانان شهرداری با پیام خود مقدار هم پول برای کمک به هزینه تحصن فرستاده اند و کارگران ایران ناسیونال، در پیام خود متذکر شده اند که "سرمایه داران برای چاپیدن ما کارگران با هم متحد میشوند. ما هم برای گرفتن خواسته هایمان دست به دست هم میدهم و حیل های کثیف سرمایه داران را از بین میبریم. آنها همچنین با آورنده اندک دولست جمهوری اسلامی طی ۱۸ ماه به ما نشان داد که نه میخواهد و نه میتوانند حامی منافع ما کارگران باشند."

کارگران متحصن، در این مدت دو - اطلاعیه منتشر کرده و وضع خود را برای مردم شرح کرده اند. آنها در اطلاعیه شماره ۲ خود به اخراج یکی از نمایندگان مبارز و انقلابی کارگران که تحت عنوان پا -

مزدوران کارخانه.

میدهند. بقیه کارگران بیکار به این عمل ضد کارگری اعتراض میکنند که محمود خدا بنده لومزدورانها را با شیر آب پراکنده میکند.

دولت جمهوری اسلامی و مزدوران آن جواب کارگران و زحمتش را همواره چنین داده اند. ولی توده ها هیچگاه جنایات سرمایه داران و دولتهای حاضریشان را فراموش نمیکنند، همانطور که جنایات شاه را فراموش نکرده و او را بی زبانه دان تاریخ سپردند. رژیم جمهوری اسلامی نیز سرنوشتی جز این ندارد!

دست به اعتراض زده و یکی از کارگران با کارگزیی درگیر میشود. کارگزیی نیز او را به نگهبانی تحویل داده و ورثیسی نگهبانی "محمود خدا بنده لو" که در زمان رژیم شاه خائن نیز در "اداره حفاظت" کار میکرد و ما هیت مزدوری و ضد کارگر او را همه کارگران کارخانه میشناسند، کارگر بیکار را به اتاق سرهنگ خواهند فرستادند. کارگران آگاه بود برده و باید دستگیری انجمن اسلامی و شورای کارخانه زیرمشت و لگد میگیرند و بعداً او را تحویل کمیته

۶/۵ صبح تا ۲ بعد از ظهر پشت در کارخانه صف میکشند. اما انجمن اسلامی کارخانه که مدتی است برای شناسایی نیروهای انقلابی تعدادی از مزدوران خودشان را در کارخانه ها استخدام میکنند، در این کارخانه نیز دست به چنین کاری زده و تنها کارگران سفارشی خودشان را استخدام کردند.

روز ۵ مرداد کارگران بیکار به دیدن این همه وقاحت و اعمال ضد کارگری

بقیه از صفحه ۱ شکست ارتجاع

چرا شعارها تغییر کرد؟

کارگران شرکت نکردند و عده ای از کارگران عقب مانده نیز تنها بزاس ترس از اخراج به این دعوت پاسخ گفتند و نه بر اساس اعتماد. بعداً تمام تظاهرات بحثی صورت نگرفت و موضوع بسرعت به فراموشی سپرده شد.

تنها ۱۸ ماه پس از قیام بود در رویی هر چه بیشتر منافع هیات حاکمه و توده ها، استغاده؛ ضد انقلابی هیات حاکمه از اعتماد توده ها، کارگران و زحمتش را کاملاً در مقابل رژیم جمهوری اسلامی قرار داده است. این رژیم قبل از هر چیز بر پایه سرکوب و بخشش برپا است. توده های نا آگاه به حکومت خود ادامه میدهند و از بیروست که در چنین بحران عمیق اقتصادی و سیاسی روز به روز وحشی تر شده و دست به جنایات گسترده تری میزند. سیاستی است که در هر گوشه و کناره، در هر کارخانه، مدرسه، در دانشگاه و در هر کوی و برزن دیده میشود! ولی روز به روز ما هیتش را بیشتر روشن کرده و روز به روز بیشتر به ضد خودش بدل میگردد!

در انجمن اسلامی راه آهن دو جریان وجود دارد، یکی جریان وابسته به حزب جمهوری اسلامی است و دیگری وابسته به جناح بنی صدر. بین این دو جریان بر سر تظاهرات اختلاف نظر وجود داشت! جریان اول معتقد بود که باید تظاهراتی با شعارهایی علیه مجاهدین و کمونیست ها انجام شود و جناح دوم معتقد بود که این عمل موجب درگیری خواهد شد. مدیرکل ضد کارگران آه - غلبه زده با شنیدن استدلالات مزدوران هوادار جناح بنی صدر میگوید: "تظاهرات انجام بگیرد، اما شعارها را تغییر دهید و قطع نامه هم خوانده نشود همین کار انجام میشود. ما در حین انجام مراسم یکی از اعضای انجمن اسلامی پیشدستی کرده و قطعنامه را میخواند. در این تظاهرات علیرغم ترس از اخراج و بیکاری اکثریت



بقیه از صفحه ۶

در این موقع یکی از کارگران فریاد میکند: «انقلاب نگردیم که گرسنه بمانیم، نخیر، ما انقلاب کرده، که رفاه و آسایش داشته باشیم»

کارگران با صدای رعد آسای خود سه بار فریاد میزنند صحیح است!

این صحنه با شکوه مدتی ادامه می یابد و کارگران با فریادهای خود صدای اعتراضشان را بگوش فلک میرسانند.

در پایان، یکی از کارگران بلند میشود و خواسته های برحق کارگران را اعلام میکند:

- ۱- کار در هفته باید ۴۰ ساعت باشد.
- ۲- شورای کارخانه ایجاد باید گردد. آنهم نه شورای فرمایشی و دولتی، بلکه شورای واقعی کارگری.
- ۳- افرادی که توسط هیات کارسازی اخراج شده اند، باید جرمان معلوم و در پیشگاه کارگران ثابت شود و بعد اخراج گردند.

کارگران با کف زدن و فریاد صحیح است، این خواسته ها را تأیید کرده و از مدیرعامل جواب میخواهند.

مدیرعامل برای فرار از دست خشم کارگران، قول میدهد که این خواسته ها را به وزارت صنایع و معادن ببرد و جواب را روز شنبه ۲۵ مرداد به اطلاع همه برساند.

اما روز شنبه خبری نمیشود و روز یکشنبه ناگهان هیئت پاکسازی وارد صحنه شده و ۸ نفر را اخراج میکند. چهار نفر از این تعداد جزو کارگران مبارز و آگاه هستند، خشم و کینه کارگران از این اقدام ضدکارگری شعله ور میگردد. آنها یکپارچه و متحد دست از کار میکشند و در محوطه کارخانه جمع میشوند:

ها می گرک بیرا ولسون، آمریکا نابودا ولسون!

قرش شعارهای کوبنده ۲۸۰۰ کارگر تراکتورسازی پشت عنا مرشد کارگران میله را انداخته با این اقدام متحدانه خود نشان میدهند که از کارگران مبارز و انقلابی، چون مردمک چشم حفاظت و حمایت خواهند کرد.

هیئت پاکسازی ترسان و لرزان از محل کار خود بیرون میخیزند که ناگهان با سیل خروشان کارگران خشمگین روبرو میشوند. آنها طی قطعه مهای تا فردای آنروز (۲۸ مرداد) مهلت میدهند که هیئت پاکسازی در مجمع عمومی دلایل و مدارک خود را در باره اخراج این ۴ کارگر مبارز ارائه دهد. آنها همچنین از رفقای اخراجی خود میخواهند که حکم اخراج را نادیده گرفته و با اتکاء به نیروی لژیون کارگران به سرکار برگردند.

آری ۲۸۰۰ کارگر دلاور تراکتورسازی، متحد و یکپارچه، چهار همروزم اخراجی خود را به سرکار باز میگرددند و به دشمنان خود نشان میدهند که طبقه کارگران ایران، عزم خود را جزم کرده است تا با زهرگویی ها و توطئه های کثیف حکومت و عمال آن، مبارزه کند.

کارخانه ماشین سازی، عرصه تاخت و تاز مزدوران انجمن اسلامی!

جمهوری اسلامی که تصور میکنند با اخراج کارگران و کارمندان انقلابی از کارخانه تاخت و تاز خواهند کرد، بدست نی برای کارگران و بهشتی برای سرما به تبدیل کند، بدست یورش وحشیانه اش در سرا سراسر ایران و نیز اخراج های پی در پی در تبرماهد در کارخانه نجات تبریز، با هم خود را در مقابل مبارزات کارگران ایران توان یافته، و یورش جدیدی را برای اخراج با زهم بیشتر کارگران آغاز کرده است. در کارخانه ماشین سازی تبریز، پس از انحلال شورا، اخراج کارگران انقلابی و تولید خلقی الساعه از گانی با سم انجمن اسلامی (که تمام بوسیله مقامات حکومتی، از جمله آیت الله مدنی، موسوی رئیس زندان، حزب جمهوری اسلامی، استاندرو مدیریت کارخانه طرح ریزی و اجرا شدند، اینک کارخانه به عرصه تاخت و تاز زکسائی چشون اکبرپور، محمدآهن پنجه، رسول دارابی و غیره، در آمده است که هر روز به تعقیب و اذیت و آزار کارگران میپردازند. مستو- لنین موربا غیرقانونی کردن شوراها، با حمله به ۴۰ ساعت کار در هفته صدور آئین نامه های ریز و درشت انضباطی، با تغییر ساعات شیفت کار، با طاف غوثی اعلام کردن سوپوزها مسبب مورد کردن زنان کارگر به پوشیدن لباس اسلامی (با جدا کردن صف مردان و زنان در کانتین، با اخطار، با توبیخ، و با اخراج

کارگران مبارز... هر روز ما هیت خود را بیش از پیش به معرض دید کارگران میگذارند.

در پی چنین اقداماتی ضدکارگری، در کارخانه ماشین سازی تبریز خبر میرسد که روز یکشنبه ۲۶ مرداد دو تن از عناصر چاقوکش و مزدورینا م های ژبانی "و جواد صدقی"، یکی از کارگران سربزیر و آرام کارخانه را با دنگک میگیرند و در حالیکه نعره میزنند، به تمام کارگران انقلابی فحشهای رکیک داده و زن و بچه آنها را با دشتام میگیرند تا شاد محیط را متشنج کرده و درگیری ایجاد کنند. آنها بیشتر ما نه فریاد میزنند کسای را که از این کارگر حرام کنند و با طرفدار کارگر هستند (۱۰۰) فلان و بیهمان میکنیم!

اما در طول این مدت کارگران خشم فروخورده خود را پنهان میکنند و از تشنج جلوگیری میکنند.

اما هجوم وحشیانه ارتجاع پایانی ندارد.

روز دیگر تعدادی از کارگران شیفت بعد از ظهر که تا زه به کارخانه آمده بودند، متوجه میشوند که کارتهای آنها را برداشته اند تا نتوانند کارت بزنند. زیرا مدیریت میخواهد شیفت کسار بعد از ظهر را به ساعت ۳ بعد از ظهر تا ۱۲ شب تغییر دهد. اما کارگران که از این وضع خشمگین شده اند ابتدا به نگهبان حمله کرده و آننگاه به مدیریت متا پوزی حمله میکنند که تا مبرده نیز فرار را برقرار ترجیح میدهد.

و سرانجام ۲۶ مرداد با زهم لیست جدیدی از کارگران اخراجی بی سیله بلتندگو اعلام میشود موجی از خشم را در میان کارگران برمی انگیزد هنوز خبری از واکنش کارگران بدست ما نرسیده است.

اتحاد کارگران لیفت تراک سازی، کارفرما را به عقب نشینی وامی دارد!

یکی از روزهای مرداد ماه، وقتی که زنان درگرو کارمندان کارخانه لیفت تراک سازی، از در کارخانه وارد میشده اند، کیف های آنها را به بیانه کشف بمب (ب) و جلوگیری از خرابکاری و در حقیقت برای یافتن مطبوعات و اعلامیه های کمونیستی و انقلابی تفتیش میکنند. کارگران نسبت به این واقعه اعتراض میکنند و میخواهند مدیرعامل را با زخواست کنند. وقتی حرکت کارگران بالا میگیرد و میروند که به یک اعتراض وسیع تبدیل شود، مدیرعامل، زنان کارگران را پیش خود خواسته و به آنها میگوید این شتابی است که هیئت پاکسازی خود سرانه به آن دست زده و کار خوبی نبوده است. او البته فراموش نمی کند که بلافاصله تا مدت زیادی از کارگران مبارز و انقلابی کارخانه را بعنوان اخلاف ذکر کرده و ادعا نماید که اعتراض کارگران موجب سوءاستفاده اخلاف کارگران خواهد شد. اما وقتی با اعتراض مجدد کارگران روبرو میشود به غلط کردن می افتد و با کارخانه اعتراف میکنند که کار اشتباه و غلطی بوده و باید جلوی گرفتاری شود.

به این ترتیب، این دغلکار حرفه ای، با یک عقب نشینی خود را نجات میدهد، تا بتواند در فرصت مناسب دیگری، نیات پلید ضدکارگری خود را مبنی بر اخراج کارگران مبارز عملی سازد.

آخرین اخبار از تراکتورسازی تبریز:

فردای جمع شدن کارگران و بیرون کردن هیات پاکسازی تعداد ۷۵ - ۷۰ نفر از کارگران در میدان قیام جمع میشوند، و شعار میدهند. در این روز کارکنان ضدکارگری و مزدوران دولت در کارخانه یعنی کانون فرهنگی - اسلامی عده ای از کارگران را که ابتدا ۱۰ نفر میشدند ما موربا به پیمایی میکنند. فالانژهای کارخانه که در آخر به تعداد ۲۰ نفر رسیده بودند در کارخانه به دنبال آنها افتاد و شعار میدهند "سلام بیروزی است، چپ و راست نابود است." این حرکت دقیقاً برای ایجاد تفرقه و تشنج در صفوف کارگران برنا مریزی شده بود.

* - شب دوشنبه ۲۷ مرداد با سارا ن سرما به به قسمت خانه سازی تراکتورسازی هجوم آورده و ۱۰ نفر از کارگران آگاه و مبارزان را دستگیر و به زندان میبرند.

* - روز چهارشنبه ۲۹ مرداد قش حقوق کارمندان که در کنار کارگران راه پیمایی کرده بودند، برداشته نمیشود.

* - از روز ۲۵ مرداد کارخانه عملاً تعطیل است. کارگران به کارخانه آمده و با یکدیگر در مورد اعمال ضدکارگری کارفرما و سایر مسائل بحث میکنند. ■

بقیه از صفحه ۱

به مناسبت یازدهمین سالگرد درگذشت رفیق هوشی مین

"هوشی مین عزیز و گرامی ما دیگر وجود ندارد! این فقدان بسیار بزرگی است. غم ما پایان ندارد!"

کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام صبح روز چهارم سپتامبر سال ۱۹۶۹، با این جملات دردناک، نقطه پایان یک زندگی مشحون از مبارزه، ایمان به توده‌ها و عشق به سوسیالیسم را، اعلام کرد:



سخت‌ترین کارها شدنی است."

هوشی مین نمونه درخشان روحیه ای بود که بطور بنیانی انقلابی است: بی‌پروایی و یستکار در مبارزه، وقف کامل وجودش به حزب، به خلق و به انقلاب. هوشی مین تمام زندگی اش را با روح فداکاری برای رهایی طبقه کارگر، ملت و تمام بشریت، برای استقلال، آزادی، سوسیالیسم و کمونیسم وقف کرد.

او که در ۱۹ مه ۱۸۹۰ در روستای "هونگ ترو" بدنیا آمد، بسرعت پس از طی کردن نوجوانی، با آشنایی در یک کشتی فرانسوی، زندگی پرمایه و پرکاری از سفرهای دور و دراز به اروپا، آمریکا و آفریقا را آغاز نمود. هوشی مین بدنبال جستجوی راه انقلاب برای آزادی هموطنان خود از یوغ استعمار فرانسه، و پس از سرگردانی‌های بسیار در قاره‌های مختلف جهان، متوجه بی‌عدالتی‌ها و بیرحمی‌های جوامع سرمایه‌داری شد و با نا اراحتی بسیار در کمره‌های کلبه‌های طبقه کارگر و زحمتکشان همه‌کشورها، صرف نظر از رنگ پوستشان یکسان و همگون است. سفر به کشورهای مستعمراتی آفریقا نشان داد که کشورهای غیرمستقل همگی تحت یک نوع ستم قرار دارند و بیک شیوه تحقیر میشوند. او اولین نتیجه مهمی که از سفر خود به خارج ویتنام بدست آورد این بود که سرمایه‌داری همه‌جا بیرحم و غیر انسانی است و همه‌جا طبقه کارگر و مردم زحمتکش تحت فشار و استثماری وحشیانه قرار دارند و مردم تحت استعمار همگی دشمن مشترکی دارند: امپریالیستها و استعمارگران! او همچنین بروشنی تشخیص داد هر کجا که باشد، دوستان: انقلابیون، طبقه کارگر و زحمتکشان همه‌کشورها و دشمنان شان امپریالیست‌ها هستند.

رفیق هوشی مین، اینک به درک پر اهمیتی نا ئل آمده بود. اما این کافی

نیست. او مینا نیست راه انقلاب را بنیاد و چنین شد که آموزگار و پرولتاریای جهان - لنین - بکنش شتافت.

رفیق هوشی مین که با اینتنا دبه رهنمودهای لنین، در سال ۱۹۱۹ یکی از بنیانگذاران انترناسیونال سوم در فرانسه محسوب میشود، زمانی بعد، وقتی که کتاب لنین "تزهایی درباره مسئله مللی و استعماری" بدستش رسید، ناگهان خود را با گم شده موعود و برویافت، او بروشنی بیشتری متوجه شد که انترناسیونال سوم و تزهایی لنین جوابگوی خواستهای عمیق اوست.

رفیق هوشی مین در این باره مینویسد: "تزهایی لنین الهام بخش هیجان، شغف، روشن بینی و اعتماد در من شدند! مرا به گریه انداخته بود. تنها در اطاق خودم بلند و چنانکه گویی توده‌ها را مورد خطاب قرار داده‌ام گفتم: هموطنان ستمکش! اینست آنچه ما بدان احتیاج داریم این است راه‌هایی ما!"

و بدین ترتیب، رفیق هوشی مین، راه‌هایی خلق، راه اعتماد به لنین و راه انقلاب را آغاز نمود! او در نیش از نیم قرن زندگی پرافتخارش، همواره رهبر ارشدمندی برای خلقهای ویتنام و جهان و فرزند راستین آموزگاران بزرگ مارکسیسم - لنینیسم بود و خلق ویتنام با بیش از نیم قرن مبارزه تحت رهبری هوشی مین توانست خود را از زیر سلطه امپریالیست‌های فرانسه، ژاپن و آمریکا رها بی بخشیده و سراسر ویتنام را آزاد گرداند.



رفیق هوشی مین اینک در میان ما نیست. ما در راه پرفراز و نشیب‌های خلقهای جهان و ایران از او خواهیم آموخت. همانگونه که او برای تحقق شعار استراتژیک لنین، راه سخت ولی پرافتخاری را طی کرد: پرولتاریای همه‌کشورها و مردم ستم‌دیده متحد شوید!

"رفیق هوشی مین، یک مین پرست بزرگ، یک شاگرد وفادار کارگر مارکس و ولادیمیر لنین، روحیه مبارزه، آشتی ناپذیرا علیه امپریالیسم بالا نگاه داشته و همه زندگی خود را وقف آزادی طبقه کارگر، ملت و بشریت، استقلال و آزادی برای سوسیالیسم و کمونیسم نمود. وی روحیه استقلال طلبی و حاکمیت طلبی را برافراشته، مارکسیسم - لنینیسم را در شرایط مشخص کشور ما خلافاً به مورد استفاده گذارده و وطن پرستی واقعی را با انترناسیونالیسم پرولتری توأم نمود. وی تجسم تلفیق بسندیده‌ترین سنن ملت ویتنام با ایدئولوژی بنیانی عصر ما مارکسیسم - لنینیسم بود."

و به این ترتیب، رفیق هوشی مین بتاریخ پیوست و نامش در سراسر جهان الهام بخش تمام انقلابیون شد.



انقلاب کار توده‌هاست. و این چیزی بود که هوشی مین و حزب زحمتکشان ویتنام از نخستین روز، بر روی آن پافشاری میکرد و کار خلافت‌ها را بعهده توده‌های انقلابی جوانان، کارگران، دهقانان و زنان گذاشت. رفیق هوشی مین، اعتقاد بی‌پایانی به توده‌ها داشت و ایمان او به مردم ویتنام حدودی نداشت. او این نقل قول را که از مردم "گنگ بین" و "وین لین" در روزهای مختلف مبارزه علیه متجاوزین آمریکایی شنیده بود مرتب با دمی کرد که بدون توده‌ها حتی آسانتر بین کارا مکان پذیر نیست. با توده‌ها

نابود باد سرمایه داری وابسته به امپریالیسم



رنج
مشترک
دهقانان
اینک
به بار
نشسته
است

دهقانان زحمتکش "مست سفلی" نیروی عظیم خود را در برداشت کشت اشتراکی عینیت بخشیدند. دهقانان زحمتکش "مست سفلی" واقع در منطقه "شراء اراک" در آبان ماه ۵۸ با مبارزات خود ۱۵۰ هکتار زمینهای غصب شده خود را از شخصی بنام سلیمان خان خانلوکی باز ستاندند و تحت نظارت شورای منتخب خود بطور جمعی و اشتراکی به کشت برداشتند و با پشت سر گذاشتن یک مبارزه سخت و بسیار تحمل انواع فشارها و تهدیدها و حتی درگیری و رویا رویی با دادستان انقلاب و ژاندارمری اراک که منجر به ضرب و شتم و حتی زندانی شدن چند نفر از زحمتکشان گردید، حاصل کشت جمعی و اشتراکی خود را با شورش و صفنا پذیری برداشت نمودند.

نحوه برداشت محصول بدین ترتیب بود که:
۱- شورا دهقانان را به ۳۳ گروه ۱۵ نفری تقسیم نمود.
۲- از هر گروه یک نفر برای دخالت در تقسیم محصول کشت

شده و تعیین سهم هر گروه انتخاب گردید.

۳- بعد این سرگروهها سهم هرکس را تعیین کردند. بعد از مشخص شدن مزد و سهم هرکس، دهقانان زحمتکش با شورش و شوق به سراغ خوشه های پر بار رگند میا رفتند تا محصول و دسترنج خود را که برای اولین بار به طور اشتراکی کاشته شده بود و کسی حق دزدیدن و بهره بردن از آن را نداشت، در و کنند.

زحمتکشان روستای "مست سفلی" با انرژی و کار بیشتر از حد معمول با چهره های خندان و شاد محصول را برداشت می کردند. چرا که زمینی که سالها جولانگاه خانها و خان زادگان بود و محصول آن توسط آنها غارت میشد اینک در اختیار خود دهقانان زحمتکش است.

در مدت کمی چندین هکتار گندم از دم داس بران روستا ثیان گذشت و به خرمگانه حمل شد. صف حمل و نقل گندم به خرمگانه در بعضی موارد محدود و نرسید. بدون هیچگونه برخوردی، در مورد کم و زیادهای سهم هرکس روستائیان کار می کردند و با گذشت وفاداری و نظم انقلابی تحت نظارت شوراها و سرگروهها کشت جمعی، درو میشد. تجربه مبارزات زحمتکشان مست سفلی نشان داد که هرگاه زحمتکشان روستاها و شورایی انقلابی و آگاه و منتخب خود بر خوردار باشند، میتوانند به راحتی و بدون اینکه کسی ضایع گردد، اداره امور روستا را در دستان پرتوان و پینه بسته خود گیرند و از پیس کلیه مشکلات برآیند!

به امید روزی که کارگران و دهقانان زحمتکشان، با کسب قدرت سیاسی و برقراری حکومت انقلابی کارگران و زحمتکشان تمامی کشتزارهای این مرز و

پاسداران، روستایی زحمتکش را به گلوله بستند!

زندگی تعداد زیادی از روستائیان کوه نشین آبادیهای شمال ایران از راه فروش چوب های جنگلی میگذرد. در زمان شاه خائن تحت عنوان "ملی شدن جنگلها" چوبهای جنگلی را در بار و سرما بیه داران به غارت میبردند و روستائیان اگر اشارهای به درختها و چوب های جنگلی میکردند یا جنگلبانان و گارد جنگلی که ارگان سرکوب رژیم شاه خائن و نگهدارنده جنگلها برای سرما بیه داران بودند روبرو میشدند. در حال حاضر این وظیفه را پاسداران سرما بیه عهده گرفته و در این راه تا به شهادت رساندن روستائیان پیش میروند.

روز سه شنبه ۲۱ مرداد، پاسداران سرما بیه "روستایی زحمتکش" به نام رمضان مجیدی را در روستای سیدابو صالح واقع در ۱۵ کیلومتری جنوب شرقی قائم شهر به گلوله بستند که صبح فردای آن روز قبل از رسیدن به بیمارانستان در اثر خونریزی شدید جان سپرد و به این ترتیب همسر و چهار فرزندش را با خود از دست دادند.

بقیه در صفحه ۱۶

حسین شهبازی با مراجعته و شکایت به دفتر رئیس جمهور و دادستانی انقلاب اسلامی حکم خلع ید روستائیان را از زمین های مصادره شده از دادستانی انقلاب اراک میگیرد، و با حمایت دادستانی انقلاب و ژاندارمری اقدام به شخم زدن گندمهای سبز شده دهقانان میکند. حاج شهبازی با وقاحت تمام از یک طرف محصول دسترنج آنها را نابود کرده و از طرف دیگر زمینها را پس میگیرد. اکنون نیز گویا کمیسیون ۷ نفره میخواهد زمینها را در اختیار دیپلمه های بیکار بگذارد.

این اقدامات ضد انقلابی حاج شهبازی و حامیان حکومتی مخالفت یکبارچه روستائیان را برانگیخته است.

علم آباد "یکی از روستاهای منطقه اشتراک" است. حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر جمعیت دارد. بقیه در صفحه ۱۲

بوم را به شکل شورایی کشت برداشت نمایند.

❁ روستائیان زحمتکش "قاراب" در منطقه "شراء اراک" که یکبار زمینهای حیدرکارگشا بردار در کترکارگشا از مهره های پشت پرده رژیم و یاروغار بنی صدر را مصادره کرده و لسی مورد سرکوب قرار گرفته بودند، اینک عزم خود را جزم کرده و قصد دارند که کشت پاییز را خود برداشت کنند. آنها به حیدرخان پیغام دادند که برای کشت پاییز حق نداشتند به "قاراب" گذارد!

❁ دهقانان زحمتکش "کودرز" در منطقه "فراهان اراک" در اوایل فروردین امسال زمینهای حاج حسین شهبازی، از زمینداران بزرگ را مصادره انقلابی نموده و به کشت اشتراکی زمینها پرداختند. اما هنگام سبز شدن گندمها مورد هجوم شهبازی و حامیان او قرار گرفتند. حاج

بقیه از صفحه ۱ کافواد در قلب . . .

با رژیم شاه و ماها مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی و شرکت در بنیان گذاری سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) و سازماندهی مبارزات دهقانان مریوان و او را مانات در اتحادیه های دهقانی، گو هرگز انبهای در جنبش کمونیستی تازه جوان ما به شمار می آید. رفیق فواد فرزندی که از خردگی مالکین مریوان بود که بعد از اتمام تحصیلاتش در سنج و یکسال کار در اداره دخیان مریوان و آشنایی هر چه نزدیکتر با روستائیان و دردهایشان به دانشگاه صنعتی تهران وارد شد.

رفیق در سال ۴۸، سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران را بنیان گذار و با دیگر یارانانش به کار سیاسی-تشکیلاتی در میان روستائیان کردستان پرداخت. دستگیری فواد در زندانهای آریامهری، اعتصاب غذاهای طولانی و فشارهای ساواک ذره ای در آورده، خلل نا پذیر این فرزند دلاور خلق کرد خلیسی وارد دنیا آورد.

اوپس از آزاد شدن از زندان در سال ۵۷، فعالانه در مبارزات خلق کرد شرکت جست و با تشکیل و پایه گذاری اتحادیه دهقانان مریوان، سازماندهی مبارزات دهقانان مبارز و دلاوران مناطق آغا زکرد، سالگرد شهادت رفیق، فرصتی است تا با یکی از گرانبها ترین دستاوردهای جنبش توده ای ایران در کردستان که رفیق فواد مستقیماً و فعالانه در سازماندهی و بنیان گذاری آن نقش داشت آشنا شویم:

دهقانان مریوان از سابقه مبارزاتی درخشانی در زمان رژیم شاه برخوردار بودند و در مقابل فئودالها و مالکان مرتجع منطقه سالها مقاومت و مبارزه کرده بودند. همواره در زندانهای رژیم شاه عده ای از دهقانان مریوانی در بنسند بودند، وعده ای دیگر در مقابل زورگویی آنان مقاومت میکردند. مالکان کسه در زمان رژیم شاه طرفدار سرسخت او بودند بعد از آنکه فهمیدند که شاه تمام شده است به پیروان سرسخت رژیم جدید تبدیل شدند.

اعلام وفاداری به جمهوری اسلامی کافی نیست. و از آن پس شروع به شکل دربین خودشان کردند. تفرقه بین طایفه های خودشان را از بین بردند، صندوق مشترک درست کردند، اسلحه خریدند و در مریوان رسماً مسئله را اعلام نکردند ولی عملاً از خودشان شورای شهر درست کردند و میتوانم بگویم که قبل از ۲۲ بهمن اولین نیروی مسلح که خودش را آشکارا نشان داد، نیروی همین مالکها بود.

مسلح شدن مالکان، دهقانان مریوان را که سالها ستم و ظلم و زورگویی آنها را تحمل کرده بودند به فکر اتحاد و مقاومت در مقابل این مرتجعین انداخت. تصمیم گرفته شده هما نظور که مالکها متحد شدند. دهقانان هم در تمام دهات متحد شوند. اساس این اتحاد عبارت بود از: دفاع مشترک بدون هیچ هدف تعرضی و برنامه تعرضی. جلسات نیمه علنی روستائیان تشکیل میشود و مرتباً بر تعداد دهات عضو اتحادیه دهقانی اضافه میشدند. دهقانان مرتباً از لزوم داشتن اسلحه برای مقاومت در مقابل این مرتجعین سخن میگفتند و در هر تجمع دهقانان بطور مسلح شرکت میکردند. البته هما نظور که گفتم به دلیل قاطی بودن روشنفکران با آنها در جریان مبارزات، روشنفکران شهری در تشکیل این اتحادیه کمک کردند. بدین ترتیب اتحادیه دهقانی مریوان با مصادره انقلابی اسلحه پاسگاهها مسلح شد و خود را برای روبرویی و مقاومت در مقابل حملات مرتجعین و مالکان که دیگر از طرف رژیم جمهوری اسلامی نیز پشتیبانی و مسلح میشدند آماده میکرد. هر کجا حمله ای به زمین روستائیان صورت میگرفت، هر کجا مالکان مانع مصادره انقلابی زمینها میشدند و یا بر زمینهای دهقانان چنگ میانداختند، پیشمرگان مسلح اتحادیه های دهقانی و دهقانان و روشنفکران انقلابی و کمونیست، برای مقاومت آماده بودند. مالکان تبلیغات ضد کمونیستی خود را آغاز کردند. عملکردهای مبارزاتی اتحادیه ها و روشنفکران انقلابی تمام این دروغها

بقیه از صفحه ۱ اخبار دهقانی

یکی از زمین داران این منطقه بنام میرزا رضائیان در زمان رژیم شاه سابق جاه عمیق آب زده بود که مقدار آب اضافی آن بین روستائیان تقسیم میشد. بعد از قیام رضائیان چاه را کلاً در اختیار خود میگیرد اما کشتا و ورزان نیز اعتراض کرده و برای مقابله با رضائیان مسلح میشوند. او با مشاهده مقاومت کشتا و ورزان مجبور شد که آب چاه را به کشتا و ورزان داده و آنرا خود استفاده کند. این جریان تمام میشود. در ماه گشت شته موتور چاه آب خراب میشود و کشتا و ورزان به خرج خود آنرا درست میکنند باز هم میرزا از دادن سهم خود جهت تعمیر موتور خودداری میکند که مجدداً کشتا و ورزان با جمع آوری اسلحه آماده مقابله با او میشوند. اتحادیه دهقانان و یا درمیانی بزرگان روستا میرزا خان را مجبور به عقب نشینی کرده و او سهم خود را میدهد.

نشریه کارگران رزنده صنایع فولاد اهواز



اتحادیه کارگران فولاد اهواز

هجوم ضد انقلاب و ظایف ما

این روزها در تمام واحدهای فولاد اهواز، کارگران در حال مبارزه با ضد انقلابها و عناصر فاسد و مفسدین است. این عناصر با استفاده از نفوذ و ارتباطات خود در داخل واحدها فعالیت میکنند و سعی میکنند تا با ایجاد تفرقه بین کارگران و تضعیف روحیه مبارزه آنها، اهداف خود را محقق سازند. ما کارگران رزنده و مبارز این واحدها، با تمام توان خود در برابر این اقدامات فاسد ایستاده ایم و با همکاری و همیاری یکدیگر، این عناصر فاسد را از بین خواهیم برد. ما میدانیم که پیروزی ما، پیروزی همه کارگران رزنده است.

قانون ضد کثرتی

تعمیرات و ترمیمات شواها را چه میگویم؟

دولت چیست؟

دولت کثرتی چیست؟

کارگران جهان متحد شوید!

ستاد بسیج ملی چه می کند؟

نقل از روزندگان بلوچستان شماره ۶

"ستاد بسیج ملی" یکی از ارگانهای سرکوب رژیم است که در کنارسایه پاسداران فعالان در مناطق مختلف ایران به سرکوب نیروهای انقلاب میپردازد. نشریه "روزندگان بلوچستان" در شماره ۶ خود پاره ای از عملکردهای "ستاد بسیج ملی" را در استان بلوچستان درج نموده است که قسمت هایی از آن را میآوریم: "این ارتش به اصطلاح بیست میلیونی ما هاست که از پول مردم زحمتکش ما نیازهای مالی خود را رفع میکند. و برای همایین سؤال مطرح گردیده که کار این "ستاد بسیج ملی" چیست؟ ما برخی از عملکردهای آن را بازگو میکنیم: حدود یکماه پیش تعداد زیادی چماق به منظور سرکوب نیروهای انقلابی جهت اعضای آن فراهم گردیده است! از حدود سه هفته قبل اکیپ های ۱۰ - ۷ نفری آنها با سطل های پر از رنگ سفید همه شب راهی خیابانها میشوند و شعارهایی از این قبیل را پاک میکنند: مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع، نابودی دسرما به داری وابسته به امپریالیسم و...."

بالاخره حدود ۷۰ نفر از افراد "ستاد بسیج ملی" روز سه شنبه ۵۹/۴/۳۱ در مسجد جامع زاهدان تجمع کرده و پس از آن به محل وحشیانه یورش برده و پس از ضرب و جرح فروشندگان نشریات، کلیه نشریات و کتب را در همان محل به آتش میکشند و یکنفر را چاقو میزنند و همچنین یکنفر از هواداران مجاهدین را که قصد عکسبرداری از صحنه نمایش عملکردهای آنان را داشت فوراً دستگیر نموده و به شهربانی میبرند و از شهربانی نیز پاسداران او را تحویل گرفته و به مقر سپاه پاسداران میبخند در سپاه چند نفر با مشقت و لگدبه جان این شخص میافتند. پس از آن اعضاء ارتش به اصطلاح بیست میلیونی سوار یک ماشین تویوتا میشوند و به دفتر انجمن جوانان مسلمان هوادار مجاهدین یورش میبرند و کلیه وسایل موجود در دفتر را به غارت میبرند و....

حال برای ما این سؤال مطرح میشود که آیا این مجموعه "ستاد بسیج ملی" است یا "ستاد چماق داران مذهبی"....

کاک فواد...

و آنها مهارت به پیشروی بدل میکرد. رفیق فؤاد خود علت شکل گیری و لزوم مسلح شدن آنان را چنین جمع بندی میکند: "در شرایطی که آنها مسلح بودند و مسلحانه اعمال قدرت میکردند و سعی میکردند اجازة ندهند که دهقانها فعالیت بکنند و تشکلی داشته باشند، برای دفاع از این تشکل حداقل دهقانها میبایست مسلح باشند تا بتوانند وحدت خودشان را برای رسیدن به هدف حفظ بکنند. هدف اصلی ما هم از بیرون رفتن از شهر در واقع عبارت بود از کار سیاسی، تشکیلاتی در میان مردم. ولی چون این جریان مورد حمله قرار میگرفت، باید مسلحانه از آن دفاع میشد."

آری رفیق لحظه ای از آگاهی دادن به توده ها و آموزش آنان غافل نبود و لحظه ای فراموش نمیکرد که "پیشمرگه نقش یک تفنگدار خشک را نباید داشته باشد بلکه از لحاظ سیاسی هم پرورش پیدا کند.... بنا براین کار ما در حقیقت نقش یک تفنگچی

نیست بلکه یک کار سیاسی و تشکیلاتی و پرورشی است. پیشمرگه هایی که همیشه هستند برای آنها یک برنامه معین داریم ولی برای دسته ای که نمی مانند و بعد جایشان را به دسته دیگری میدهند برنامه مخصوص در نظر داشتیم و داریم و باین منظور که آنقدر پرورش پیدا کنند که در بازگشت بتوانند هر کدامشان کار سیاسی، تبلیغ و تشکل را انجام بدهند."

اتحادیه دهقانی مریوان در کنسار شورا های شهر، در کنسار جمعیت های آزادی و انقلاب خاری بود در چشم مالکان و مرز جمعین منطقه و رژیم جمهوری اسلامی. رژیم جمهوری اسلامی که در دیگر نقاط با کمک و سوء استفاده از اعتماد توده ها انقلاب را موقتاً از سمت سوی اصلی خود دور کرده بودند نمیتوانست چنین اوضاعی را تحمل کند، نمیتوانست تشکل های توده ای مسلح که همواره دشمن رژیم های ضد خلقی هستند، را ببیند و شاهر شد آن با شد و چنین بود که هنوز عوام از قیام قهرمانان مردم ما نگذشته، به کردستان حمله برد و در عرض

مدت کوتاهی دهقانان از بهترین فرزندان انقلابی و کمونیست خلق را به شهادت رساند و وحشیانه به جان خلق کرد و تمام دستاوردهایشان افتاد. رفیق شهید فؤاد مصطفی سلطانی نیز در حالیکه هنوز یکی دور از تیرباران و شکنجه و برادرش امین و حسین نگذشته بود، همراه با دو تن از همرازانش در یک تهاجم غافلگیرانه در حالسی که دلاوران مبارزه کرد، به شهادت رسید.

رفیق فؤاد به شهادت رسید اما دستاوردهای مبارزاتی اش و جنبش مقاومت خلق کبیر دادا مه داد. و دهها فؤاد دیگر سلاح او را به دست گرفته و راهش را ادامه میدهند و خود چنین میگویند: "نگذار فرصت طلبان و مرز جمعین زوزه بکشند، آنچه می بینیم اوج و تکامل انقلاب است."

یادش گرامی و راهش جاودان باد!

* - تمام نقل قولها از کتاب "اتحادیه های دهقانی مریوان و تجارب آن" که گفتگویی با رفیق فؤاد مصطفی سلطانی میباشد، است.

در پیشگاه خلق کرد سازشکاری محکوم است!



*** حدود ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه ۱۹ مرداد، نزدیک صد نفر از اهالی قلعه مرغی (یکی از محلات جنوب تهران) از محل خود تا سازمان بهسازی و عمران جنوب تهران راه پیمای کردند و پس از آن به اجتماع در راهروها و اطرافهای آن خواست خود را بیان کردند. دلیل اعتراض مردم آن بود که از چند ماه پیش سازمان بهسازی و عمران جنوب تهران کار خاکبرداری خیابانهای آن محل را رها کرده و نسبت به اسفالت آن هیچ گونه اقدامی نکرده بود. اعتراض مردم سرعت و وسعت گرفت و مدیران اداره از پاسداران و شهربانان کمک خواستند و اهالی که در مقابل اعتراض خود هیچ پاسخی نیافتند، معاون سازمان و مدیر قسمت رایبند گروگان گرفتند.**

*** سرانجام بعد از چند ساعت اعتراض و فشاری اهالی قلعه مرغی از مسئولان تعهد گرفتند که هر چه زودتر کار را شروع کنند. دوروز پس از این جریان مسئولان مربوطه جهت رسیدگی و اقدام به محل مذکور رفتند.**

*** قائم شهر:**

پس از حمله مزدوران حکومتی به دکه‌های گروههای سنی تا چندین روز اهالی محله ورمه و کبریت محله و ترکه محله برای حفاظت از دکه‌های محله شان، تکبیران گذاشتند. این تکبیران در مقابل حملات فاشیست‌ها مقاومت کرده و یک حمله نیز پاسداران را در تبریز و تبریز شهربانان سنی دادند که فردای آنروز گروهبان

از فاشیست‌ها برای آزادی آنها در مقابل شهربانان دست به تظاهرات زدند. با حمایت و پشتیبانی فعال مردم از این دکه‌ها، این دکه‌ها تا ۲۸ مرداد دست نخورده باقی مانده است.

*** به دنبال تصویب قانون لغو سود ویژه، کارگران کارخانه کبریت سازی ممتاز علیه آن بسیج شده و طوماری در مخالفت با آن امضاء کرده و به اداره کار فرستادند.**

*** در کارخانه علاءالدین بخاطر لغو سود ویژه درگیری پیش آمده و حدود ۲۴ نفر کارگر مبارز و انقلابی را دستگیر کرده اند.**

*** ۵۹/۵/۳۰ - یکی از کارگران جوان شرکت دامپزشکی وری سفیدرود در حین کار بر روی دستگاه قطع علوفه‌ها، پیش به داخل مخزن علوفه رفته و دستگاه مکنده نیمه از بدن او را میبلعد و تا کمزش رانگه نکه میکند. کوشش همکارش برای نجات او بی نتیجه میماند. کارگران دیگر تا ۷ روز برای او عزاداری میکنند. علت مرگ کارگر شهید آشنا نبودن او به کار دستگاه بوده است. با این حادثه دلخراش یکبار دیگری از زحمتکشان ما بر اثر سودجویی مشتی سرمایه داران خود را از دست میدهد.**

*** روز ۲۸ مرداد یک استیشن واگن ارتشی، یکی از کارگران شرکت گسترش مسکن اصفهان را که از جاده میگذشت زیر کرده و به شهادت میرساند. بعد از تصادف راننده که یک ارتشی بود بلافاصله از کارگر همراه شهید که از نا راحتی و گنجی حال خود رانمی فهمید رضایت نامه ای میگیرد. او که از راننده هیچ شکایتی ندارد، ارتشی در حضور پلیس راهور که را گرفته و در میسرود، این حادثه دلخراش اشرا ت بسیج در میان کارگران شرکت داشت. آنان میگفتند "خون کارگر پامال شد و خانواده او فرسود**

ن ان آموزش را از دست داد و پلیس ککشن هم نگریه".

*** ۵۹/۵/۲۸ - از ۱۵ روز پیش نوعی بیماری در یکی از روستاهای ملایر به نام "می آ" با شیوع پیدا کرده که علائم آن استفراغ و اسهال میباشند و دسته دسته از مردم زحمتکش آنجا را مسموم میکند. روستا - ثیان مسموم را بعزت نسود سرم و آمپول در بیمارستان ملایر به ارک منتقل میکنند. علت مسمومیت آلودگی آب رو - ستا میباشند.**

*** مبارزات دیپلمه‌های بیکار ملایر با دیگر آغاز شده است. روز ۲۵ مرداد تعدادی از دیپلمه‌های بیکار در جلوس فرمانداری تخمین میکنند و در یک درگیری توسط پاسداران دستگیر میشوند. فردای آنروز خانواده‌های دیپلمه‌ها و عده زیادی از مردم در جلوس مقربیه پاسداران اجتماع کرده و با دادن شعار "کاربرای بیکار را جایدبا بیدگرد" خواستار آزادی زندانیان میگرددند. پاسداران به زنان و مسردان حمله ور شده و در همین حین مینی بوسی دیپلمه‌ها را با خود به همدان میبرد.**

*** تبریز:**

*** روز سه شنبه ۲۲ مرداد مجاهدین خلق به مناسبت عید فطر، غلام سخترانی میکنند قبل از آغاز سخترانی پاسداران و کمیته‌چی‌ها که از قبل خود را برای بهم زدن سخترانی آماده کرده بودند، با شلیک‌های وحشتناک و رگبارهای خود مردمی را که در مقابل مسجد بودند قتل می دهند و منتظرین در مسجد را یکی یکی بیرون آورده و با کتک و مشت و لگدمند داخل ماشین میاندازند. کمیته با زرسی و اقمع در خیابان ثقة الاسلام که مزدوران آن به جلادی و شکنجه زندانیان در تمام تبریز معروفند در این**

حملات و حمله به نقش فعال داشتند. آنه ن قریبا دسزده کشته‌ها را به خیابان بیابان زد. در این جریان بیش از ۷۰ تا ۸۰ نفر دستگیر و ۴ نفر با شلیک تیر و عده زیادی با قلمه و جاقور خبی شده اند. به احتمال زیاد این برنامها با همکاری موسوی و سپاه از قبل تدارک دیده شده بود و حزب اللهی‌ها را نیز از قبل سازمان داده بودند.

*** روز ۲۱ مرداد دزدان حاکمیتی به ستاد دانش آموزان هوادار مجاهدین در تبریز حمله کردند. تعداد فاشیست‌ها که با حمایت کجسته چی‌ها، سپاه پاسداران و ارتش و شهربانان به ستاد حمله کرده بودند، تنها ۲۰ نفر بود. فاشیست‌ها شعار حزب فقط حزب الله... تمام وسایل موجود در ساختمان را از موکت، پتو، نشیمن، اوزان لید و غیره، از پنجره به بیرون پرتاب کرده و ماشین‌های کمیته چی‌ها و فاشیست‌ها را جمع کرده و با خود میبردند. رهبری عملیات را پزشکستان رئیس هیئت باکسازی بیمارستان خمینی که اهل مهاجرات است به عهده داشت. او که در این عملیات صورت خود را پوشانیده بود، هواداران مجاهدین را شنا سایی و دستگیر میکرد.**

*** اداره آموزش و پرورش اهواز اعلام کرد معلمینی که از سال ۴۹ به بعد استخدام شده اند با امتحان بدهند و در این امتحان کسانی قبول میشوند که مؤمن به انقلاب اسلامی و افرادی با صلاحیت باشند. او بعد از آن نیز یکسال کارآموزی دارند. مدیر کل آموزش و پرورش منطقه گفته است "تا اول مهر ماه حدود ۵۵۰۰ معلم از آموزش و پرورش اخراج میشوند".**

تبلیغات رسوای حزب جمهوری اسلامی

روزیکشنبه ۲ شهریور در روزنامه حزب جمهوری اسلامی خبری بود با تیتردرشت "از داخل کیف یکی از اعضای مجاهدین خلق مدارکی از کودتای ۹ آبان بدست آمد".

تیترخبرطوری نوشته شده که گویا بین سازمان مجاهدین خلق و کودتاچیان رابطه هست. ولی از آنجایی که مزتجین فریبکار رودرغ گوکم حافظه نیز هستند، در متن خبردست خود را رومیکنند. درمتن خبر آمده است: "برپایه همین گزارش و در قهای نیز از کیف بدست آمده است که روی آن نوشته شده است که "یکی از خواهرا ن هوادار سازمان از یکی از عوامل بختیار رشیده که روزنهم آبان کودتای می شود".

ببینید حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی و روزنامه وابسته به آن چگونه میخواهند انقلابیون را بدنام کنند؟

این شیوه تبلیغ ارتجاع برعلیه نیروهای انقلابی تازگی ندارد. آنها که از آگاهی توده های مردم بشدت وحشت دارند به هر وسیله و روشی متوسل میشوند تا انقلابیون و کمونیستها را بدنام کنند و جلوفعالیت آگاه گرانه آنها را بگیرند. هنگامی که مراکز فعالیت انقلابیون را پاسداران و مزدوران رژیم — تصرف میکنند، عکس شاه و عکسهای سکی با خود به درون این مراکز میبرند و بعد اعلام میکنند که این عکسها در این محل ها بوده است و یا اعلام میکنند که قرص های ضدحاملگی و غیره پیدا کرده اند ولی به کوری چشم ارتجاع علیرغم تمامی این دروغها بیشترمانه نفوذنیروهای انقلابی و کمونیست در میان توده های زحمتکش هرروز گسترش بیشتری مییابد. و توده ها هرروز بیشتر و بیشتر به حقانیت نیروهای انقلابی و کمونیست پی میبرند.

جمهوری اسلامی

کشنه ۲ شهریور ماه ۱۳۵۹ شماره ۲۵۵ سال دوم

درواه اراک و قم
از داخل کیف یکی از
عضای مجاهدین خلق
مدارکی از کودتای
۹ آبان بدست آمد



مردم مبارزان ما از آزادی پاسداری می کنند!

از ظرفهای غروب روز چهارشنبه ۲۲ مرداد بوی حمله پاسداران و مزدوران حزب الهی به مشام میرسد. نیروهای انقلابی میخواهند قیلم انقلاب مشروطیت را به نمایش بگذارند. تعداد فانیها را هر لحظه زیادتر میشد ساعت ۹/۵ فیلم شروع شد و هنوز یکساعت از آن نگذشته پاسداران حمله خود را آغاز کردند. "اینها مال کیست؟ جمع کنید!" اسلایدها و دستگاهش بسرعت در قلب جمعیت پنهان شد و پاسداران بسیار غضبانی شدند. نجات اسلایدها و دستگاہ و معلوم نشدن نمایش دهندگان فیلم، پاسداران را به جان مردم انداخت هر کس دم دستشان میرسد با تو مکتک میزدند. و تعداد زیادی از هواداران نیروهای انقلابی را دستگیر کردند در تمام

این مدت با اعتراض مردم نارمک و سعی آنان برای آزادی جوانان انقلابی روبرو میشوند برای فرار از دست آنها پاسداران جلوی اتوبوس را میگیرند و دستگیرشدگان را سو ارا توبوس کرده و بیه راننده میگویند برومردم جلوا توبوس را میگیرند و میگویند "ادم دزدی نکنید ما نمیگذاریم حرکت کنید." پاسداری جلو میآید و لوله اسلحه اش را به سوی مردم که در مقابل اتوبوس ایستاده بودند میگرداند یکی از اهالی جلورفته تلبسوش را پاره میکند و میگوید "اگر مردش هستی شلیک کن اگر جرأت داری شلیک کن." یکش و راحتمان کن، جانمان را بهمان رسانند هر روز یکی را میگیرد و بیه زندانها پتان میبرند!

یکی از پاسدارها دوباره راننده را برای حرکت تحت فشار میگذار د راننده میگوید آخر مردم ایستاده اند چه جوری بروم؟ پاسدار میگوید "زیرشون کن!" راننده امتناع میکند و پاسدار او را از صندلی پائین انداخته و خودش ماشین را به راه میاندازد. چند نفر میافتند و پای یکی از اهالی محل زیر ماشین میروند ماشین میرود و مردم به دنبال آن میدوند تا تحاد معارزه، پیروزی! اتحاد، مبارزه، پیروزی! تمام شیشه های اتوبوس را با سنگ می شکنند ولی اتوبوس میروند مردم که عده شان بیشتر هم شده بود به تظاهرات خود ادامه میدهند.

برق را باد جمهوری دمکراتیک خلق!

پاسداران ...

بقیه از صفحه ۱۱

جریان از این قرار است که پاسداران برادرانین شخص را که با است به منزل می آمد، به آنها محل خوب مورد حمله قرار میدهند. (در آن موقع چوبی به همراه نداشت) در اثر سروصدای مضطربان مجیدی که در خانه بود از جریان باخبر شده و به محل حادثه میسرود و برادرش را در حال کتک خوردن می بیند و جلو می رود ولی پاسداران به او مهلت نداده و او را باژ - ۳ به گلوله میزدند. مردم که از مسجد به منزل میرفتند صدای تیر را شنیده و به طرف آن میروند. ولی قاتلان مزدور از ترس سوار ماشین شده و فرار میکنند. (تفصیل از اعلامیه هواداران سازمان رزمندگان در مازندران)

فردای آن روز عده زیادی از مردم قاشمشهر و تعداد زیادی از هواداران نیروهای انقلابی و کمونیست جسد را تا روستای سید ابوالحشیش میبردند. و در روستا به مناسبت شهادت کشاورز زحمتکش مراسمی برگزار میشود. مردم که خشم و نفرت سراپای وجودشان را فرا گرفته بودند شعار میدادند: "قاتلین مجیدی دردا - دگاه ملت اعدام باید گردند". عزازت امروز، روز عزازت امروز، خون کشاورز ما شعل است امروزه این سند جنایت ارتجاع. مردم محل در حین مراسم و روزهای بعد با شور و شوق از شرکت نیروهای انقلابی و کمونیست پشتیبانی کرده و با آنها در مسوود کشتار وحشیانه پاسداران به بحث و گفتگو مینشستند.

در این رابطه سپاه پاسداران با اعلامیه ای سراپا دروغ منتشر کرد که موجب خشم و نفرت مردم گشت. او پیش از پیش مردم روستا را نسبت به شناخت حاکمان واقعی خود دشمنان فریبکارشان آشنا نمود.

هفته بعد از این جنایت وحشیانه پاسداران، ۱۲ نفر از پاسداران شیرگاه و قائم شهر به پل سفید رفته و از دو نجارتاً مچوبها و دروینجره های را که ساخته بودند به سرعت بردند. کثرت این چوبها و دروینجره ها مال زحمتکشان محل بود. پاسداران در جوارب اعتراض نجارها گفتند: این چوب ها قاچاق میباشد ما جمع کرده و برای "مستضعفین" میبریم! دیگر چوب قاچاق (!؟) به منگاره خود دنیا ورید، مگر نشنیدید که برای همین چوبها چند روز پیش یک نفر را در روستاهای قائم شهر کشتیم؟! "

براستی که وقاحت و بیشرمی پاسداران سرمایه واریا با نشان جدو حصری ندارد!! *

کمکهای مالی دریافت شده

برای اطمینان شما از دریافت کمکهای مالیثان به سازمان یک عدد یعنی کد انتخاب کرده و به همراه حرف اول نام خود به دریافت کننده کمک مالی بدهید ما ایمن شما را به مبلغی که پرداخته اید اضافه و در نشریه درج میکنیم

الف	س. س. ۲۰۲۲	۵۰۱۵
ب	ش. ۲۰۹۸ -	۶۰۵
ج	الف ۵۰۵۰	۵۰۰۵
د	ب ۱۰۲۱ -	۲۰۲۰
ه	ج ۲۵۲۰ -	۶۰۲۹
و	د ۱۰۱۰۹ - ۲	۵۲۲
ز	ه ۲۰۱۲	۲۲۲۲
ح	و ۶۱۲	۱۰۹۲
ط	ز ۲۵۱۵	
ی	ح ۵۰۲۵	
ک	ط ۱۰۵۰ -	۱۰۰۸۰
ل	ی ۱۱۰۱ -	۶۲۶
م	ق بدون ح. ۱۰۰	
ن	س ۲۲۲۵	۲۲۲۲
س	م ۵۰۲۱	
ت	ن ۵۰۲۲	

اخبار کردستان

سزدشت

بقیه از صفحه ۱۲

۵۹/۵/۲۲ - ساعت یک بعد از ظهر امروز دوفروند هلی کوپتر جمهوری اسلامی که از یادگان بان به سر خواسته بودند در بالای پل "قولتی" شروع به دور زدن نمودند چون پیشمرگان را در اطراف پل مشاهده نمیکنند، یکی از هلیکوپترها بمنظور فرود آمدن در نزدیکی پل به زمین نزدیک میشود یکدسته از پیشمرگان حزب دمکرات که دور از دید هلی کوپتر در آن نزدیکی بودند اقدام به تیراندازی بنظر هلیکوپتر منما بنده در آخرین تیراندازی هلیکوپتر نقص فنی پیدا نموده و در ۲۰۰ متری پل مجبور به فرود میگردد. سرنشینان آن که ده نفر بودند سرآسیمه خود را به تنه های نزدیک میسرانند و سپس یک هلی کوپتر شوک آنها را برداشته و با خود میبرد. پس از این جریان یک هلیکوپتر کبری - موضع پیشمرگان حزب دمکرات را شیدا "زیر آتش میگیرد در این هنگام دودسته از پیشمرگان کومه له برای کمک پیشمرگان حزب دمکرات خود را بحصل درگیری رسانند و پس از مدتی یادگان سزدشت - محل درگیری و اطراف آن را زیر آتش شدید توپ خانه گرفتند و دوفرونده هلیکوپتر کبری بعد از دو ساعت دور و در پل رابه رگبار گلوله و راکت میزدند در ساعت ۵/۵ بعد از ظهر یک فروند فانقوم نیز بمدت نیم ساعت منطقه را براکت بست و در این جریان تعداد زیادی مدارک، اسناد و نقشه های نظامی - ارتش و پاسداران بدست پیشمرگان دمکرات و کومه له افتاد و سپس هلیکوپتر منهدم و آتش کشیده شده

کامیاران

۵۹/۵/۲۱ - در شب ۵/۲۱ سه دسته از پیشمرگان - کومه له (پل شهید فایق) با سلاحهای سنگ و سنگین و با زوکا و نارنجک اندازه پایگاه ارتش در هلتوش واقع در مسیر کامیاران به سنج حمل کرده و ضربه سختی بر آن وارد کردند. در این درگیری که مدت یک ساعت ادامه داشت خسارات زیادی به دشمن - وارد آمد و چندین جا در آتش گرفت. از میزان تلفات آنان اطلاعی در دست نداریم. در تمام مدت حمله، پیشمرگان سرودهای انقلابی میخواندند و مردم روستاهای اطراف پایگاه با شور و شوق فراوان در بالای پشتبامهاشان در انتظار پیروزی و بازگشت پیشمرگان بودند. در این جریان پیشمرگان هیچگونه آسیبی وارد نیامده و همگی سالم به پایگاه خود مراجعت نمودند

نقل از خبرنامه کومه له شماره ۶۷ و ۶۸

بقیه از صفحه ۱ کشتار قارنا...

شده بود و بارگشت آنها به خانه هایشان معادل لغو حکومت نظامی بود و لغو حکومت نظامی مجازاتش مرگ بود. این دهکده دیربیا سین نام داشت که صهیونیست ها در یک شب صدها تن از مردم آنرا قتل عام کردند.

فاجعه دیربیا سین توسط رژیم جمهوری اسلامی در سال ۵۸ تکرار شد. در قارنا، وکانی، مامسید و امسال در قلاتان ۸۶ تن از زنان و کودکان و پیر مردان روستا زمانی که تمام مردان مسلح ده از آنجا خارج شده بودند توسط ملاحسنی نماینده مام در ارومیه و رئیس کمیته انقلاب این شهر و نماینده فعلی مجلس شورا به قتل رسیدند. ملاحسنی این شاگرد خلف خالالی که بارها، از استاد خود پیشگی گرفته و در جنایت کاری و کشتار در منطقه همتا نداد، همزمان با تهاجم ارتش به مهاباد، به بهانه تلافی اعدام یک پاسدار نرقد. های ۶۸ زن و کودکان پیر مرد را با کارد سلاخی به قتل رساند از این ۶۸ تن تنها ۲ نفر توسط گلوله کشته شدند.

امسال این قتل عام در روستای قلاتان تکرار شد و تعداد بسیاری از مردم این روستا توسط تبر به قتل رسیدند. رژیم جمهوری اسلامی با این کشتار خود جنایتی را انجام داد که قبل از آن امپریالیسم آمریکا در ویتنام، صهیونیست ها در فلسطین اشغالی و همه رژیم های استعمارگر در شرایط اوج گیری مبارزات طبقاتی انجام داده بودند. رژیم جمهوری اسلامی برای ادامه بهره کشی از کارگران و زحمتکشان از هیچ جنایتی فروگذار نمی کند و از هیچ رژیم جنایتکار دیگری نیز دست کمی ندارد. اما اگر دیروز کسی از ماهیت جنایتکارانه این رژیم با خبر نبود، اگر دیروز این خبر و حشتناک را تنها در گوشه ای از روزنامه های دولتی میخواندیم، اگر دیروز توده ها هنوز حکومت را از خودشان میدانستند، اما امروز تفاوت کرده است امروز با هیئت رژیم جمهوری اسلامی افشا شده و امروز روزی است که توده ها برای بدست گرفتن سر نوشت خود با دیدیش از پیش آماده شوند!

بقیه از صفحه ۱۴

* حکم تمام مدیران مدارس گیلان را باطل کرده اند تا مدیران جدیدی به سرکار آورند. در یکی از دبیرستانهای رشت که اکثر کارکنان آن از نیروهای مبارز و انقلابی هستند، مدیر جدیدی به نام خاکباز را سرکار گزارده اند که از سردمداران مکتب نرجس است. مکتب نرجس جمعیتی است از زنان فالانز که در تمام حرکات ارتجاعی و ضد انقلابی همدست پاسداران و چنانقداران میباشند. خاکباز قبلاً معلم قرآن و تعلیمات دینی بوده و دیپلمه میباشند. مدیر ریت او که دیپلمه میباشند برخلاف آئین نامه

آموزش و پرورش است زیرا مدیبرستان بایدلیسانس باشد. علاوه یکی از زنان مکتب نرجس با نام شرفی را که او هم دیپلمه میباشده مدیر ریت دبیرستان شاهدخت رشت انتخاب کرده اند!

* کارمندان کارخانه سپاهان اصفهان بخاطر گرفتن حقوق صنفی خود دست به تحصن زده اند. کارمندان آن روز ۲۸ مرداد در مقابل دفتر مرکزی کارخانه بست نشسته و خواهان پرداخت حقوق ایاب و ذهاب، حق مسکن، پرداخت به موقع حقوق و... شدند. مدیر عامل کارخانه تمام خوانست های آنسان را رد کرده و تهدید کرد که در صورت ادامه تحصن کارخانه را تعطیل خواهد کرد. کارگران از خواست های کارمندان پشتیبانی کردند.

اخبار کردستان

بقیه از صفحه ۱۸

اشنویه

۵۹/۵/۱۸ - در این روز یک مین در مسیر عبور نیروهای ارتش و پاسدار در نزدیکی خانلر منفجر شد که در اثر آن ۳ نفر ارتشی کشته و زخمی شدند بدنبال آن نیروهای مستقر در خانلر وحشیانه به ده کنده و یله حمله برده و ۳ نفر بی گناه را اعدام نمودند. سپس با ۶ تانک که بوسیله ۲ هلی کوپتر حمایت میشدند به دهات "سرگیز" و "ده شمس" و قره شغل حمله کردند و مردم منطقه که قبلاً اعمال جنایتکارانه ارتش و پاسداران را در حمله بداهات دیده بودند، همراه پیشمرگان کومه له و دمکرات قهرمانانه در سرگیز بمقاومت پرداختند. بعد از مدتی نیروهای ارتش را بمحاصره در آورده و هلی کوپترها برای شکستن حلقه محاصره تعدادی پاسدار در پشت ده پیاده میکنند ولی ارتش و پاسداران با دادن تلفات زیادی عقب نشینی میکنند. در این درگیریها یک تانک سالم با تمام مهماتش بدست پیشمرگان افتاد. علاوه بر این یک عدد مسلسل کالیبر ۵۰ چند عدد تیربار و مقداری مهمات از نیروهای ارتش و پاسداران برجای مانده این درگیریها تا نزدیکی شب ادامه داشت و تنها یکی از پیشمرگان زخم سطحی برداشت. مردم منطقه تعدادی از اجساد دشمن را همانجا خاک سپردند بعد از این شکست فاحش، هلی کوپترها وحشیانه به ماشینهای مسافربری حمله میکنند که در نتیجه درجیب منهدم و نفر شهید و چند نفر نیز زخمی میشوند. هم اکنون پیشمرگان با روحیه عالی آماده مقابله و مقاومت با دشمن میباشند.

۵۹/۵/۱۶ - پیشمرگان کومه له، شبانه به پایگاه نیروهای ارتشی مستقر در تپه خانلر حمله کرده و بعد از چندین ساعت متوالی با اسلحه های سبک و سنگین پایگاه را درهم کوبیده و تلفات زیادی بدشمن وارد کردند که بنا با ظواهر خود نیروهای دشمن در جریان این درگیری ۱۱ نفر از پاسداران کشته و چندین نفر زخمی گردیدند. پیشمرگان سالم به پایگاههای خود بازگشتند.

۵۹/۵/۱۶ - نیروهای پاسدار و افراد کمیته در این روز با کمک تانکها و هلی کوپتر بداهات قرن آباد، گرگای و قورشاوی حمله برده و بعد از کوبیدن دهات در آن منطقه مستقر گردیدند و با ذیبت و آزار مردم پرداختند. چندین نفر در اثر پرتاب خمپاره از سوی آنها زخمی شدند.

این اعمال وحشیانه نیروهای سرکوبگر با مقاومت مردم و پیشمرگان روبرو گشته که با تحمل تلفات مجبور به عقب نشینی گردیدند. بقیه از صفحه ۱۶

هزینه‌های سنگین تبلیغاتی برای فریب خلق کرد!

رژیم جمهوری اسلامی ضمن اینکه میلیونها تومان بودجه مملکت را صرف حقوق و پاداش ارتشیان و پاسداران و تجهیزات نظامی و مهمات میکند تا جنبش مقاومت خلق دلاور کرد را سرکوب کند. میلیونها تومان هم از بودجه مملکت را برای تبلیغ و ترویج بیخ در اختیار مزدوران خود

قرار میدهد. سندنشان میدهد که رژیم جمهوری اسلامی مبلغ ۱۸۰ میلیون ریال بودجه برای ترویج مذهبی در اختیار استانداری کردستان قرار میدهد تا مزدوران و جیره خواران رژیم در کردستان در ضمن کشتار خلق دلاور کرد بمباران و خراب کردن خانه و کاشانه آنها، برای بقومد صفحه ۹

صمد بهرنگی ستاره‌ای پرفراز راه زحمتکشان!



سالهای سیاه حکومت جلادان آمریکا بی هرگز فراموش شدنی نیست و از این روست که مبارزان قهرمان آن سالهای خونین نیز، هرگز فراموش نخواهند شد. در آستانه یازدهمین سالگرد شهادت رفیق صمد بهرنگی، ستاره درخشانی که همواره معلم تمام فرزندان پابرهنگه این مرزوبوم باقی خواهد ماند، یادش را گرامی میداریم و راه سرخ آرمانهایش را میبوییم.



اخبار کردستان قهرمان

گوشه‌ای از جنایات رژیم بعد از اشغال شهرهای کردستان و برقراری حکومت نظامی در آن، بیورش به خانه های مردم و اعدام فرزندان دلاور خلق کرد، سویت پاکسازی و اشغال روستاها رسیده است. ستاد عملیات مشترک غرب کشور متشکل از ارتش، پاسداران، ژاندارمری جا

شهای سازمان مسلمان کرده از اهالی روستا ثیان شمال غرب بکار میارند خواسته است تا محل سکونت خود را ترک کنند تا آنها را با خیال آسوده خانه و کاشانه شان را بمباران کنند. این بیشرمان در اطلاعیه خود به صراحت ذکر کرده اند که "لازم است به محض شنیدن خبر مناطق مذکور را تخلیه و یا ضدا انقلابیون مهاجم را تحویل دهند، در غیر

کرمات شاه - هرنگار - کیهان - در اطلاعیه مهمی که از سوی ستاد عملیات مشترک غرب کشور انتشار یافت از اهالی روستای شمال غرب کامیاران خواسته شد هر چه زودتر محل سکونت خود را ترک کنند تا سرکوبی افراد ضد انقلاب آشوبی به آنها وارد نیورده متن اطلاعیه به شرح زیر است:

قابل توجه اهالی منطقه شمال غربی کامیاران به یاری خداوند قستدر جهت و قصبات این منطقه از ضد انقلابیون پاکسازی شد و اکنون مناطق گشبه سفید، کاروانه و تخت زنگی گزگل تا گازارخانی و دهات حد فاصل آنها در سیطره عبید نیروهای ارتش و پاسداران جمهوری اسلامی است. لازم است به محض شنیدن خبر مناطق مذکور را تخلیه یا ضد انقلابیون مهاجم را تحویل دهند در غیر این صورت تمام مناطق کامیاران و آنها به علت آلوده بودن به ضد انقلابیون و هوا منهدم خواهد شد. لازم است به محض شنیدن این اطلاعیه حدود ساعت ۱۲ ظهر و چهار پنج دقیقه منتشر گردید.

روی در مورد پاکسازی شهر نوسود وجود مهاجرین نوسود گفت: ۱۶۰ نفر از مردم نوسود، نود و هفت نفره مدت یک هفته است بطور شبانه روزی در اردوگاه تیپ نوسود آموزش چریکی و ایدئولوژیکی میبینند تا در هنگام پاکسازی به برادران پاسدار و ارتش کمک کنند.

این صورت تمام مناطق نامبرده و حوالی آن به علت آلوده بودن به ضدا انقلاب (؟) از زمین و هوا منهدم خواهند شد. اینان که خوب میدانند خلق کرد فرزندان خود را رهبر نخواهد کرد، اینان که خوب میدانند پیشمرگان در قلوب روستا ثیان و زحمتکشان کردستان جای دارند، آشکارا را به مردم میگویند که خانه و کاشانه شان با خاک یکسان خواهد شد.

تیپ نوسود - این مرکز عوامل آمریکا و مهربا لیسیم، حتی به اعتراف صریح عوامل رژیم سرگرم آموزش چریکی و ایدئولوژیکی به مشتی جاش و خود فروش است تا از آنان در سرکوب روستا ثیان یاری بجوید. بگفته فرماندها رپاوه "۱۶۰ نفر از مردم (؟)" "نوسود" و "نودشسه" و "هانی گرمه" مدت یک هفته است بطور شبانه روزی در اردوگاه تیپ نوسود آموزش چریکی و ایدئولوژیکی میبینند تا در هنگام پاکسازی به برادران پاسدار و ارتش کمک

در حالی که تنها یکسال از فصل عام روستاهای "قاربا" و "کاسی عام سینه" میگذرد رژیم صدامتی جمهوری اسلامی ۱۶۰ جاسوس و خود فروخته را تحت عنوان مردم آموزش میدهد تا در کشتار و قتل عام روستا ثیان به پاسداران و ارتشیان کمک کنند. رژیم جمهوری اسلامی که ارتش، سپاه پاسداران و جلدها را با تمام تجهیزات به کردستان فرستاده است، اینک نا توان از به انقیاد کشیدن خلق کرد، دست به استخدام و آموزش مزدوران جدیدی زده است رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب مبارزات خلق کرد از هیچ جنایتی فروگذار نکرده است و اینک پایتختی کردستان و مقابلهت روز افزون زحمتکشان کردستان، هیات حاکمه را به اعلان رسمی تمام جنایات و سرکوبهایش کشانده است. اما هیچیک از این تهدیدها و سرکوبها نمیتوانند خلق کرد را به روی گردانی از خواسته های برحق شان وادار سازد. بقومد صفحه ۱۷

اتحاد پولادین کارگران و زحمتکشان نظام پوسیده سرمایه داری وابسته را درهم خواهد کوبید!